

مشخصه‌های آب در فرهنگ ایرانی و تأثیر آن بر شکل‌گیری فضای زیست

دکتر محمد نقی زاده *

«طعم آب، طعم زندگی است»

امام صادق (ع)

چکیده

ظاهراً بسیاری از مشکلات محیط زیستی از کمبودها، آلودگی‌ها و تخریب‌های ناشی از استفاده بی‌رویه انسان از منابع طبیعی و بی‌توجهی به پیامدهای مختلف صنعتی و اقتصادی است که البته نظر کاملاً نادرستی نیز به نظر نمی‌رسد، ولی ریشه اصلی معضلات را در حذف توجه به معنویت، در بی‌توجهی به معنای طبیعت و عناصر آن که در فرهنگ‌ها تعریف شده اند می‌باید جست‌وجو نمود. تفکر کمیت‌گرای دوران معاصر همچنان که معماری، ساختمان و شهر را یک ماشین می‌پندارد، طبیعت را نیز به مثابه ماشینی قلمداد می‌نماید که حداکثر بهره‌کشی اقتصادی از آن مدنظر می‌باشد. برای پژوهش در فرضیه تأثیر ارتقا و احیای فرهنگ معنوی بر حفاظت از محیط زیست و عناصر طبیعی، «فرهنگ ایرانی»، «آب» و «ایران زمین» (به عنوان مصادیق «فرهنگ»، «عناصر طبیعی» و «مکان» مورد نظر این وجیزه) انتخاب شده‌اند. نگرش مکانیکی به عالم هستی سبب می‌شود تا آب نیز (همچون قطعه‌ای از ماشین هستی) صرفاً برای ادامه حرکت فیزیکی و مادی مدنظر قرار گیرد. این در حالی است که با توجه به ساحت‌های متعدد حیات انسان و اهمیت دو ساحت معنوی و روانی او، حتی اشیای بیجان نیز واجد معنایی می‌باشند که آگاهی به آن حین تماس با طبیعت می‌تواند ضمن غنا بخشیدن به زندگی معنوی انسان، در زمینه‌های کمی و مادی نیز او را یاری و هدایت کند. مقاله حاضر سعی بر آن دارد تا به مبانی موضوعات مرتبط با آب در فرهنگ ایرانی پرداخته و ضمن بیان اجمالی از نقش آن در تلطیف محیط زندگی ایرانیان، راه‌های امکان بهره‌گیری از تجارب گذشتگان را معرفی نماید، تا در کنار استفاده از فواید مادی آب و رفع تنگناهای موجود، زمینه معنادار شدن زندگی را نیز فراهم آورد.

کلیدواژه

آب، محیط زیست، فرهنگ، ایران، معماری، شهر.

تاریخ دریافت: ۱۳۸۰/۹/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۱/۲/۳۱

* دکترای طراحی شهری، مدیریت واحد تحقیقات مهندسی مشاور پارت.

سرآغاز

مروری بر ویژگی‌هایی که در مقوله حیات معنوی و زندگی مادی انسان مطرح هستند حاکی از آن است که انسان از جهات متعددی نیازمند تماس با طبیعت و از جمله آب و در نتیجه لزوم اهتمام در حفظ مطلوب آب و فراهم آمدن امکان تماس با آن است. این نیازها را متناسب با ساحت‌های حیات انسان، می‌توان در سه قلمرو متفاوت بررسی کرد: «قلمرو معنوی یا روحانی»، «قلمرو روانی یا نفسانی» و «قلمرو مادی یا جسمانی». در مورد جنبه مادی حیات، نیاز انسان به آب مسئله‌ای کاملاً بدیهی و محسوس و کمی است، که بویژه با اشکالاتی که در سده‌های اخیر و در اثر بهره‌گیری بی‌رویه از آب و آلودن آن توسط انسان بروز نموده است، برای جملگی ابنای بشر کاملاً ملموس و محسوس می‌باشد. نیاز انسان به طبیعت در قلمرو روانی، در جهت بهره‌گیری از زیبایی طبیعت و آرامبخشی آن موضوعی است که در دهه‌های اخیر با بروز مشکلات ناشی از زندگی ماشینی و تقلیل تماس انسان با طبیعت، مورد تأکید و توجه جوامع مختلف قرار گرفته است. نیاز انسان به طبیعت در قلمرو معنوی حیات، که متأسفانه ابعاد آن کاملاً روشن و واضح و براحتی کمیت پذیر نمی‌باشد، موضوعی کیفی و روحانی است که در گذشته و توسط جوامع دینی کاملاً مورد توجه بوده است و در قرون اخیر به فراموشی سپرده شده است. به این ترتیب نیاز روانی انسان به طبیعت که به حوزه روان مربوط می‌شود در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است، لکن جنبه معنوی و روحانی این رابطه همچنان در محاق غفلت مستور است^(۱). این جنبه از نیازهای انسان در مقولاتی همچون زیبایی، تلطیف خشونت و صلیبیت محیط مصنوع، تذکردهی، ایجاد زمینه آرامش و تفکر، قابل دسته بندی می‌باشند. شایان ذکر است، با عنایت به اینکه جهان‌بینی انسان و جوامع در روند فعالیت‌هایشان که تماس و بهره‌گیری از طبیعت نیز بخشی از آن است، نقشی درخور توجه ایفا می‌نماید، حتی در مقوله ابعاد کمی و مادی نیز جنبه معنوی جهان‌بینی‌ها تأثیر بسزایی دارند. به این معنا که با تغییر میزان اتکای جهان‌بینی و مکتب فکری بر معنویت، تأثیر آن بر

چگونگی برخورد با جنبه مادی طبیعت نیز متفاوت خواهد بود. امروزه که بشریت در ارتباط با طبیعت، و در زمینه نحوه برخورد و بهره‌برداری از آن، و در عواقب ناشی از برخوردهای گذشته که حاصل به کار بستن نگرش‌های مختلف است تجارب متفاوت و متنوعی را در دسترس دارد، گرایش به سمت دخیل نمودن معنویت در طرحها و برنامه‌های محیط زیستی نیز در دستور کار و مطالعه قرار گرفته است (Simmons, 1993; Tucker and Grim, 1998; Gillespie, 1997). نکته قابل ذکر و بسیار مهم این‌که، با عنایت به نظریه‌ای که حتی مکاتب الهی (و از جمله اسلام) در مورد چهره ریاضی و کمی طبیعت ارائه می‌نمایند، هیچ‌یک از موضوعات کمی و کیفی نباید مغفول نهاده شوند، بلکه همگی آنها باید به طور همزمان و توأمان مورد توجه جدی قرار گیرند.

محیط و فضای زیست انسان متشکل از کلیه اجزایی است که تحت قوانین و شرایط بیولوژیکی، فیزیکی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و در یک کلام کلیه امور معنوی و روانی و مادی انسان شکل گرفته‌اند. به بیان دیگر این مجموعه، در عین حالی که تمام موجوداتی را که در آن زیست می‌کنند دربرمی‌گیرد، مجموعه روابط و کنش‌های متقابل آنها بر یکدیگر را (که می‌توان آنها را قوانین حاکم بر عالم وجود خواند) شامل می‌شود. هر یک از اجزای محیط زندگی در نزد جوامع و ملل و تمدن‌ها، بنابر باورها و اعتقاداتشان معانی ویژه‌ای را دارا هستند که در طیف وسیعی از تقدس تا مادیت صرف قابل طبقه‌بندی‌اند. مضافاً اینکه هر یک از آنها در نوع زندگی و هدایت انسان و در شکل دادن انسان به محیط مصنوع و زندگی فردی و اجتماعی‌اش نیز نقشی شایان توجه ایفا می‌نمایند. در فرهنگ سنتی و دینی، موضوع سلطه بر جهان مطرح نیست بلکه همسازی و هماهنگی با عالم و محیط زیست در جهت کمال معنوی موضوع اصلی است.

یکی از مهمترین عناصر موجود در طبیعت که از ابعاد مختلفی قابل بررسی بوده و از جهات گوناگونی بر زندگی انسان تأثیر دارد، آب است. با احتراز از ذکر فواید کمی آب، که به اندازه

عمر بشر قدمت دارد. قهرمانان اساطیری بسیاری ملل در پی زندگی جاوید بوده، یا به آن دست یافته اند، از جمله گیلگمش، اسفندیار، آشیل، در متون مسلمین نیز به خضر و الیاس و اسکندر ذوالقرنین اشاره شده است (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۴)، با مروری بر زندگی نوح (ع) در می یابیم چگونه آب عامل تطهیر کل زمین از شرک و کفر می گردد و تنها موحدان و آنچه با آنها هستند را در امان نگه می دارد. از آنجایی که معانی نمادگان نقشی بنیادین در حیات مذهبی انسان ایفا می نماید، حتی امروزه نیز که با رشد کمیت گرایی (ناشی از رشنالیسم و تجربه گرایی مدرن) نقش نمادها کمرنگ شده است، نشانه ها، تقریباً همان نقش را در زندگی انسان مدرن ایفا می نمایند. ضمن آنکه جهان معاصر، به مرور به نقش دین و معنویت بر دستیابی حیاتی سالم برای انسان آگاه شده و حتی غیرمعتقدین، نیز توصیه به زنده نگه داشتن و ترویج ارزش های معنوی و اخلاقی می کنند. همه اینها بیانگر این اصل مهم اند که نه کمیت و نه کیفیت، نمی باید مورد غفلت قرار گیرند. آنچه اهمیت دارد بها دادن و توجه به موضوعات کیفی و کمی به اندازه خود و در مکان خویش می باشد، و نه مغفول نهادن یکی از آنها در ازای تمرکز بر دیگری.

وجه معنوی آب در فرهنگ ایرانی

همان طور که گذشت طبق تعلیمات عهد عتیق، قدمت آب قبل از خاک است (Eliadeh, 1959). مروری اجمالی بر متون اسلامی نیز بیانگر قدمت یا خلق آب قبل از زمین است. به طوری که علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۷ سوره هود با ذکر این نکته که همگی موجودات زنده از آب به وجود آمده اند و ماده اصلی زندگی آب است، می نویسد: «و کان عرشه علی الماء (هود:۷)، این جمله حال است و معنای آن این است: عرش خدا روزی که آسمان ها و زمین را آفرید بر آب بود. تعبیر قرار داشتن عرش خدا روی آب کنایه از آن است که ملک خدا در آن روز بر این آب که ماده حیات است قرار گرفته بود. زیرا عرش ملک مظهر سلطنت اوست و استقرار عرش روی یک چیز یعنی قرار

کافی و بیش از حد نیاز مورد توجه هستند^(۲)، نوشتار حاضر سعی بر آن خواهد داشت تا به معنای معنوی و نمادین آب نزد ایرانیان بپردازد. نیاز به این موضوع از نقشی که این معانی در معنا بخشیدن به زندگی و در نتیجه بر استفاده صحیح از آب ایفا می نمایند، و امروزه مهجور مانده اند ناشی می شود. به بیان دیگر این مختصر، بدون ادعای پرداختن به همه جوانب موضوع سعی بر آن دارد تا به نقش آب در تلطیف محیط مصنوع ایرانیان با استناد به متون معنوی و روحانی آنها بپردازد.

رابطه آب و عالم وجود را از دو منظر می توان معرفی کرد، یکی منظر کمیت گرا و تجربی که البته بر پایه قوانین و فرمول های متداول علمی (Scientific) استوار است. منظر دیگر که به مباحث معنوی حیات نیز مربوط می شود، آب را به عنوان ماده اولیه حیات معرفی نموده و قدمت آن را قبل از خاک می داند. چنانکه الیاده در مورد قدمت آب نسبت به خاک مثالی از سفر پیدایش می آورد (Eliade, 1959). یکی از وجوه بارز منظر دوم و همچنین آنچه از متون مذهبی بر می آید جنبه نمادین و معانی معنوی طبیعت و عناصر طبیعی و از جمله آب است. در هر مجموعه مذهبی و فرهنگ دینی و معتقد به ماوراء الطبیعه، آب نقشی اساسی ایفا می کند. اعمالی چون وضو، غسل، غسل تعمید، تطهیر، شست و شوی اموات، آب پاشیدن به دنبال مسافر، آب پاشیدن بر گور، که در ادیان و فرهنگ های مختلف رایج اند، به علاوه مثل ها و جملاتی که در مورد ارزش آب ذکر می شود، جملگی گویای اهمیت نمادین آب در زندگی انسان هستند. در اساطیر ایرانی آمده است که زرتشت در مسیر همپرسی با امشاسپند از آب گذر می کند، گذشتن از آب در اساطیر ایرانی اهمیت خاصی دارد، و اغلب قهرمانان پیش از دست یافتن به موفقیتی بزرگ، از آب می گذرند، و به این ترتیب با هر بار از آب گذشتن، تولدی تازه وقوع می یابد (بهار، ۱۳۷۵). ندیشه نوشیدن از آب حیات، که به آب زندگی، آب جاودانگی، آب جوانی، آب حیوان، آب بقا، عین الحیوه، نهر الحیوه، چشمه ای در مغرب زمین به چشمه جوانی Fountain of youth شهرت دارد، و یا فرو رفتن در آن، اندیشه ای است که شاید به اندازه

گفت که بر اساس متون بندهش، آب (پس از آسمان) دومین خلق مادی از میان هفت آفریده هرمزد (اهورامزدا) بوده و پس از آتش، مقدس ترین عنصر است (بهار، ۱۳۷۵) که خلق آن چنین توصیف شده است: «سپس از گوهر آسمان آب را آفرید به اندازه‌ای که [اگر] مردی دو دست بر زمین نهد و به دست و پای رود، آنگاه آب تا شکم او بایستد، بدان بلندی آب بتاخت. او به یاری [آن آب] باد و باران را آفرید که مه، ابر بارانی و برف است» (بندهش به نقل از بهار، ۱۳۷۵) اما در جای دیگر بندهش، اساساً منشاء آفرینش مادی را آب دانسته و می گوید: «نخستین آفریده، چونان قطره آبی بود. به یکسال، هرمزد آسمان و آب و زمین و [سایر موجودات] را آفرید». (بندهش به نقل از بهار، ۱۳۷۵). در مدت زمان خلق آب نیز گوید: «دیگر [پس از آسمان]، آب را آفرید به پنجاه و پنج روز که از روز مهرماه اردیبهشت تا روز آبان ماه تیر. پنج روز درنگ کرد تا روز دی به مهر. آن پنج روز گاهنبار و آن را نام مدیوشم [میان تابستان] است آن را گزارش این که او آب را روشن بکرد، زیرا نخست تیره بود (بهار، ۱۳۷۵). از میان ده نبردی که آفریدگان گیتی در مقابل اهریمن کردند، آب دومین نبرد را به انجام رساند (بندهش بخش ۸).

تبعات در متون ایران باستان حاکی از آن است که آب، نماد و سمبل آگاهی و دانش است: «اورمزد با خرد همه آگاهی دانست که زردشت سپیتمان ستوده فروهر، چه اندیشد. دست زرتشت را فراز گرفت و اورمزد پاک، مینوی افزونی، دادار جهان مادی، خرد همه آگاهی را به پیکر آب (به شکل آب) بر دست زردشت کرد و او را گفت که: از آن بخور» (بویس، ۱۳۷۶) «نبایستی فراموش کرد که خرد از خصوصیات وارونای هندی ایزد آبها و از مشخصات اهورا-وارونا، در ایران است». در عقاب ایرانیان باستان وارونا که یکی از دو ایزد اصلی ریگ ودا است همانند و همراه میترا پاسبان «رتا» یا نظام اخلاقی و نظم ترتیب جهان طبیعی است. پیروانش عقیده دارند که اوستا ک باران غسل مانند را بر زمین فرو می افشاند. از میان همه جلوه‌ها آب مخصوص اوستا، و یکی از القابش «فرزند آب» است

داشتن و ملک و سلطنت بر آن چیز مراد از «استواء» بر ملک نیز در دست گرفتن ملک و شروع به تدبیر ملک است» (طباطبایی، ۱۳۶۲). مرحوم طبرسی در تفسیر همان آیه (هود: ۷) معتقد است: «واین جمله دلالت دارد بر آنکه عرش و آب پیش از خلقت آسمان ها و زمین وجود داشته (طبرسی، ۱۳۵۱)». هدف غایی حیات انسان طبق تعالیم اسلامی عبارت از رسیدن به قرب الهی و کمال معنوی است (قرآن کریم، فجر: ۳۰-۲۷). بنابراین فعالیت‌های انسانی می باید به گونه ای تنظیم و هدایت شوند تا همواره انسان را در طی مسیر در صراط مستقیم و به سمت هدف تعیین شده حیاتش یاری نمایند. یکی از مهمترین آنها رابطه ای است که انسان می تواند با طبیعت برقرار کند. طبیعت و عناصر طبیعی با معانی نمادینی که در خویش دارند همواره می توانند به صورت هادی و راهنما و ابزار شناختی عمل کرده و انسان را به ارزشها و اصول متذکر نمایند (امام جعفر صادق، ۱۳۵۹). به هر صورت نقش آب در تفکر و فرهنگ ایرانی و معنا و اهمیت آب نزد ایرانیان در دو دوره قبل و بعد از اسلام معرفی می گردد.

آب در فرهنگ ایرانیان قبل از اسلام

در ایران باستان آب مقدس به شمار می رفته و به عقیده زردشتیان، آب پس از آتش، مقدس ترین عنصر است. نظر به تقدسی که برای آب قائل بودند آلوده کردن آن را با پلیدی‌ها گناه به شمار می آوردند (پورداد، یشتها، ۱/۱۵۹-۱۶۱)، بویژه آلوده ساختن آن با مردار از گناهان بزرگ به شمار آمده است. آب در آیین‌های دینی زردشتیان از عناصر لازم محسوب می گردد. آب دومین آفریده از آفریدگان هفتگانه ای است که اورمزد خلق کرد (بندهش، فصل اول بند ۵۴، فصل اول الف بند ۴ و ۷). نگاهبانی آبها بر عهده خرداد امشاسپند است (بندهش، فصل سوم، بند ۱۸). بنابراین عقیده ای، همه خلقت در اصل به صورت قطره آبی بود و بنابر نظر دیگری، اصل همه آفریدگان از آب بود بجز تخمه مردمان و چارپایان مفید که از آتش است (بندهش فصل اول الف، بند ۳). در توضیح مطالب فوق می توان

ایرانیان عبارتند از: «فرشته ناهید که فزاینده ثروت و آب و آبادانی است، نمودار زیبایی آرمانی شناخته می شود: زنی بلند بالا، خوش اندام، با بازوانی سفید و ستبر، آراسته به زینت های با شکوه، طوق برگردن و کمر بر میان، که آب از شانه هایش سرازیر است» (پوردادود- آبان یشت، به نقل از اسلامی ندوشن، ۱۳۸۰). «نتیجه منطقی پیوند معنویات با مادیات در گاتها، این است که اگر تقوی سبب رستگاری فرد در عالم مینویی می شود، پاکیزگی و طهارت- که پرستاری از هفت آفرینش عالم گیتوی است- نیز باعث فرا رسیدن فراشگرد خواهد شد. آفرینش های اهورامزدا همه پاک و منزه می باشند. آنچه دست ساخته او را آلوده کند، مانند چرکی و بیماری و زنگ زدگی و پوسیدگی و کپک و تعفن و سرانجام مرگ، از رزم افزارهای انگره- مینو است. پس هر گونه کثافت زدایی، هر چند ناچیز و بی مقدار، شرکت در دفاع از آفرینش های نیک و گامی در جلو انداختن بازسازی فرجامین است. تا بتوانند سه دستوری را، که متنی پهلوی رعایت آن را برای زرتشتیان واجب می کند، به جا می گوید: نیز اینکه مردمان این سه چیز را هر روز باید بکنند. نسوش از تن دور کردن، به دین خستو (= مؤمن و با ایمان) شدن و کرفه کردن. نسوش از تن دور کردن این است که پیش از برآمدن خورشید دست و روی را با کمیز و آب باید شست» (بویس، ۱۳۷۶).

آب در فرهنگ ایرانیان پس از اسلام

فرهنگ ایرانیان، پس از اسلام در تمام زمینه ها متأثر از تعالیم وحیانی اسلام و سنت معصومین (ع) بوده است. به این ترتیب اولین منبع استخراج موضوعات مرتبط با آب نیز همین متون خواهد بود. در اینجا سعی بر آن خواهد بود تا موضوعات مطروحه در مورد آب تحت عناوینی دسته بندی و معرفی شوند. در حقیقت آب به عنوان مایه اصلی حیات (انبیاء: ۳۰) معانی نمادین والایی را در خویش مستتر داشته و به عنوان بسیاری ارزش ها و زمینه های لازم برای زندگی سالم و پایدار، در زمین ایفای نقش می کند. از جمله عناوین زیر که با استناد به اهمیت

(بویس، ۱۳۷۶). در مورد آیین میترا نیز آمده است: سوما خدای زندگی است. این خدا در واقع تجسد باران است که از ماه به زمین می ریزد و سبب رشد گیاهان می شود، و غذای انسان و حیوان را فراهم می آورد. نزد موجودات نرینه شیره نباتات تبدیل به دانه می شود و نزد موجودات مادینه تبدیل به شیر. با مرگ موجود زنده، جوهر حیات به ماه بر می گردد، وقتی ماه پر می شود، سوما همچون شرابی که در ساغر ریزند، در ماه ریخته می شود. پس سوما آب زندگانی است و خدایان هر ماه از آن می نوشند.

با اینکه از نظر ایرانیان (قبل از اسلام) آب عنصری مقدس تلقی می شده و آلودن آن مجاز نبوده، تطهیر و پاکی انسان و زندگی او نیز موضوعی توصیه شده و مورد توجه بوده است. به منظور رعایت هر دو مورد یعنی حفظ تقدس آب و پاکی انسان و زندگی او، راههایی اندیشیده می شد تا بتوان بین این دو مسئله به ظاهر متناقض رابطه درستی برقرار کرد. برای نمونه: «در گذشته های دور (از حدود ۱۵۰۰ یا ۲۰۰۰ سال قبل) شست و شوی معمولی به صورت حاضر نبوده است. گرمابه ساختمانی گرم با ظرفی بزرگ به نام آبزن بوده است. از آن جهت که آب را مقدس می شمردند و نمی خواستند آن را آلوده کنند آب استفاده شده را بعد از استحمام روی زمین یا به آسمان پاشیده و به هیچ عنوان آن را وارد آب پاک نمی کردند. در سیرجان یا سیرگان [نیز] برای جلوگیری از آلودگی آب قنات، آبی به نام شیفتل (شیفت به معنی زیر و تل به معنی زمین) داشته اند. کهن شیر یا آب روان از تمام خانه ها می گذشته (از آشپزخانه و دیگر فضاهای مورد نیاز) و آب مصرفی تمیز را با ظرف برداشته و آب مصرف شده را در شیفتل ریخته و سپس به بیابان هدایت می کردند» (پیرنیا، ۱۳۷۲). از نظر ایرانیان آلودن آب، عمل اهریمن و یاران او قلمداد می شده است. «او [اهریمن] بر آب بدمزگی را فراز برد، [ضحاک] آب و آتش و گیاه را از زمین برد و گناه گران کند، افراسیاب آب را از ایرانشهر بازداشت، [و ضحاک گوید:] هر که آب و آتش و گیاه را نیازارد، آنگاه او را بیاورید تا وی را بجوم» (بهار، ۱۳۷۵). نمونه های دیگری از تفکر و فرهنگ

بهشت برای متقین (ذاریات: ۱۵) و نهر آب و شیر و شراب و عسل در بهشت (محمد(ص): ۱۵).

آب، نماد پاکی و مبارکی: تعالیم اسلامی اصولاً آب را به صفت طهور (پاک و پاک کننده) و مبارک و خجسته توصیف می کند: «وانزلنا من السماء ماء طهوراً: ما از آسمان آبی پاک و پاک کننده نازل کردیم (فرقان: ۴۸)» و «وانزلنا من السماء ماء مبارکاً: از آسمان آبی خجسته و مایه برکت نازل کردیم (ق: ۹)» که در تفسیر آن گفته اند: «طهور یعنی بسیار پاکیزه که خود به خود پاک است و غیر خود را پاکیزه می کند، چرک را شست و شو می دهد و پلیدی های روحی را می زداید (تفاسیر المیزان، مجمع البیان و نمونه) برخی دیگر از آیات مرتبط با این موضوع عبارتند از: آب برای وضو و غسل (نساء: ۴۳، مائده: ۶ و فرقان: ۱۰) و آب عامل پاکی (انفال: ۱۱).

آب، عامل حیات زمین و شهر مرده: شهر و زمین از مقولاتی هستند که حیات و زنده شدن آنها توسط آب بروشنی مورد تأکید کلام الهی قرار گرفته است: «وما انزل الله من السماء من رزق فأحيا به الارض بعد موتها...: و آنچه خدا از آسمان برای روزی خلق از برف و باران می فرستد و زمین را پس از مرگ دیگر بار زنده می سازد... (جاثیه: ۵) آیات مکرر دیگری نیز به این موضوع اشاره دارند، از جمله: آب عامل حیات شهر مرده (فرقان: ۴۸-۹، فاطر: ۹، زخرف: ۱۱ و ق: ۱۱)، آب عامل حیات زمین بعد از مردن آن (بقره: ۱۶۴، نحل: ۶۵، عنکبوت: ۶۳، روم: ۲۴، فاطر: ۹ و جاثیه: ۵)، آب از آسمان، عامل رویش گیاه و سیراب کردن (زنده کردن) شهر مرده (اعراف: ۵۷ و لقمان: ۱۰) و آب عامل رویش گیاه و زنده شدن زمین (فصلت: ۳۹).

آب، عامل آبادانی و زیبایی های زمین: علاوه بر صراحت قرآن کریم بر زنده کردن زمین توسط آب، آیات مکرری از آن نیز به آبادانی زمین و زیبا و خرم و شاداب نمودن آن توسط آب اشاره دارند: «وهوالذی انزل من السماء ماء فاخرجنا به نبات کل شیء فاخرجنا منه خضراً نخرج منه حب متراکباً و من النخل من طلعها قنوان دانية و جنات من اعناب الزیتون و الرمان مشتبها و غیر متشابه انظرو الی ثمره اذا اثمر

آنها و همچنین عوامل مادی و روانی متعدد مترتب بر نقش آب در حیات انسان می توان تماس با آن را به عنوان عنصری نمادین و حیاتبخش به صورت های جاری و ساکن در فضا های مختلف زندگی انسان توصیه نمود. در واقع با ظهور اسلام و گسترش آن، ایرانیان مسلمان نیز ضمن حفظ آن دسته از رسوم و باورهای خویش در مورد آب که تضادی با تعالیم اسلام نداشت، فرهنگ خویش را غنا بخشیده و در مقوله رابطه انسان با طبیعت و از جمله آب آنچنان رشدی را جلوه گر نمودند که در کمتر منطقه ای از جهان قابل مشاهده است. بی مناسبت نیست ابتدا به مبانی این تفکر در تعالیم وحیانی قرآن کریم اشاره شود:

آب عامل حیات همه چیز: تعالیم اسلامی، بصراحت آب را به عنوان مایه حیات هر موجودی معرفی می نماید: (وجعلنا من الماء کل شیء حی: و از آب هر چیزی را زنده گردانیدیم، انبیاء: ۳۰). موضوعات آیات دیگر مرتبط با این بحث عبارتند از: خلق انسان از آب (فرقان: ۵۴ و مرسلات: ۲۰) و خلق هر حیوان از آب (نور: ۴۵).

آب نمادی از بهشت: آیاتی از قرآن مجید آب را به عنوان یکی از عناصر و نعمات بهشتی معرفی می نمایند: «و بشر الذین امنوا و عملوا الصالحات ان لهم جنات تجری من تحتها الانهار...: و مزده ده ای پیغمبر کسانی را که ایمان آوردند و نیکوکار شدند بیقین آنها راست باغهایی که جاری است در آنها نهرهای آب (بقره: ۲۵). موضوعات سایر آیاتی که به این موضوع اشاره دارند عبارتند از: آب جاری تحت غرفه های بهشت (زمر: ۲۰)، آب جاری در بهشت (اعراف: ۴۳)، آب جاری و درخت در بهشت (بقره: ۲۵، آل عمران: ۱۵، ۱۳۶، ۱۹۵ و ۱۹۸، نساء: ۱۳، ۵۷ و ۱۲۲، مائده: ۱۲، ۸۵ و ۱۱۹، توبه: ۷۲، ۸۹ و ۱۰۰، یونس: ۹، رعد: ۳۵، ابراهیم: ۲۳، نحل: ۳۱، کهف: ۳۱، طه: ۷۶، حج: ۱۴ و ۲۲، عنکبوت: ۵۸، محمد(ص): ۱۲، فتح: ۵ و ۱۷، حدید: ۱۲، مجادله: ۲۲، صف: ۱۲، تغابن: ۹، طلاق: ۱۱، تحریم: ۸، بروج: ۱۱، بینه: ۸)، آب زلال در بهشت (واقعیه: ۳۱)، آب سرد و شراب طهور در جهنم نیست (نبا: ۲۴)، آب از سرچشمه های گوارا به بندگان خاص خدا در بهشت (دهر: ۶)، چشمه های آب در

آب، همراهی با گیاه: آیاتی از قرآن کریم معرفی شدند که به همراهی آب و گیاه در بهشت اشاره داشتند، همچنین بسیاری آیات به آبادانی و رویش گیاه و خرمی توسط آب اشاره داشتند. علاوه بر اینها آیات دیگری نیز به این موضوع اشاره می نمایند: آب عامل رویش محصول (سجده: ۲۷)، آب عامل رویش گیاه و زنده شدن زمین (فصلت: ۳۹)، آب و باغ: رحمت (نوح: ۱۲) و آب و باغ، مدد الهی (شعراء: ۱۳۴). همراهی آب و گیاه برای انسان آنچنان واجد اهمیت است که در قرآن کریم، دوری از آب و باغ به عنوان عذاب مطرح شده است (حاقه: ۱۱).

آب، نزول از آسمان (از جانب خدا): اهمیت نزول آب از آسمان که در قرآن کریم بدفعات مورد اشاره قرار گرفته است بیشتر به همراه موضوع مهم دیگری ذکر شده است از جمله: «و خدا از آسمان باران را فرستاد تا زمین را پس از مرگ زنده کرد، البته در این کار آیت قدرت و حکمت الهی برای آنان که سخن بشنوند پدیدار است» (نحل: ۶۵) و «وهم اوست خدایی که از آسمان باران فروربارد تا هر نبات بدان برویانیم و سبزه ها را از زمین برون آریم و در آن سبزه ها دانه هایی که به روی هم چیده شده پدید آریم و از نخل خرما خوشه های پیوسته به هم برانگیزیم و باغهای انگور و زیتون و انار که برخی شبیه و برخی نامشابه به همه است خلق کنیم شما در آن باغها هنگامی که میوه آن پدید آید و برسد به چشم تعقل بنگرید که در آن آیات و نشانه های قدرت خدا برای اهل ایمان هویدا است» (انعام: ۹۹). سایر آیات و موضوعات مرتبط با این بحث عبارتند از: نزول آب از آسمان (بقره: ۲۲ و ۱۶۴، انعام: ۶ و ۹۹، رعد: ۱۷، ابراهیم: ۳۲، انفال: ۱۱، طه: ۵۳، حج: ۶۳ مؤمنون: ۱۸، نور: ۴۳، فرقان: ۴۸، زخرف: ۱۱ و جاثیه: ۵)، آب از آسمان برای سیراب کردن (حجر: ۲۲ و فرقان: ۴۹)، آب از آسمان برای نوشیدن و پرورش درخت (نحل: ۱۰)، آب از آسمان برای سیراب کردن (حجر: ۲۲ و فرقان: ۴۹)، آب از آسمان، عامل خرمی زمین (حج: ۶۳ و نمل: ۶۰)، آب از آسمان، عامل رویش ثمرات مختلف رنگارنگ و میوه (فاطر: ۷)، آب از آسمان، عامل رویش زراعت (زمر: ۲۱ و ق: ۹)، آب از آسمان، عامل رویش گیاه و سیراب کردن (زنده کردن)

ینعه ان فی ذلکم لایات لقوم یؤمنون: و هم اوست خدایی که از آسمان باران فرو بارد تا هر نبات بدان برویانیم و سبزه ها را از زمین برون آریم و در آن سبزه ها دانه هایی که بر روی هم چیده شده پدید آریم و از نخل خرما خوشه های پیوسته به هم برانگیزیم و باغهای انگور و زیتون و انار که برخی شبیه و برخی نامشابه به همه است خلق کنیم. شما در آن باغها هنگامی که میوه آن پدید آید و برسد به چشم تعقل بنگرید که در آن آیات و نشانه های قدرت خدا برای اهل ایمان هویدا است (انعام: ۹۹). سایر آیات و موضوعات مرتبط با این بحث عبارتند از: آب عامل رویش و آبادانی (بقره: ۲۱ و ۱۶۴، انعام: ۹۹، کهف: ۴۵، حج: ۵، مؤمنون: ۱۹ و قمر: ۱۱)، آب از آسمان، عامل خرمی زمین (حج: ۶۳ و نمل: ۶۰)، آب از آسمان، عامل رویش ثمرات مختلف رنگارنگ و میوه (فاطر: ۷)، آب از آسمان، عامل رویش زراعت (زمر: ۲۱ و ق: ۹)، آب از آسمان، عامل رویش گیاه و سیراب کردن (زنده کردن) شهر مرده (اعراف: ۵۷ و لقمان: ۱۰)، آب عامل رویش محصول (سجده: ۲۷) و آب عامل رویش گیاه و زنده شدن زمین: (فصلت: ۳۹).

آب، عامل تذکر: تعالیم اسلامی آب و موضوعات مرتبط با آن از جمله تأثیرش در تداوم حیات و اندازه و نحوه نزولش را به عنوان آیات قدرت و علم الهی و از آن بالاتر به عنوان یکی از ساسی ترین منابع شناخت و اثبات وحدانیت الهی معرفی می نماید^(۳): «وما برای شما آب را به قدر معین از آسمان رحمت ازل در زمین ساختیم» (مؤمنون: ۱۷). آیات دیگری نیز از طریق ناره به موضوعات متعدد و متنوعی به این اصل اشاره نموده اند جمله: اگر آب به روی زمین فرود رود کی آن را پدید می آورد (لک: ۳۰)، ثمرات و رزق انسان از آب (ابراهیم: ۳۲)، خدا در بین آب و گیاه پدید آورد (نازعات: ۳۱)، طغیان آب، عذاب (عراء: ۵۷)، قرار دادن نهر آب در زمین، توسط خدا (رعد: ۳ و ل: ۶۱)، هنگام نوشیدن آب به آن توجه دارید؟ (واقعه: ۶۸)، ساره به آب به عنوان یکی از نشانه های قدرت خدا (عل: ۱۰-۱۲ و بقره: ۱۶۴) و آب حامل پیام های تذکر و عبرت ی انسان است (فرقان: ۵-۴ و زمر: ۲۱).

شهر مرده (اعراف: ۵۷ و لقمان: ۱۰)، آب از آسمان، غفرانیت و بخشندگی و رحمت (نوح: ۱۱) و آب از ابر (نبا: ۱۴).

آب، رافع عطش: فانزلنا من السماء ماء فاسقینا کموه: و هم باران را از آسمان فرود آوردیم تا به آن آب، شما و نباتات و حیوانات شما را سیراب گردانیم (حجر: ۲۲).

آب در کلام معصومین (ع): علاوه بر آیات مذکور در قرآن مجید، روایات متعدد ماثوره از معصومین (ع) به جنبه های مختلف آب و حیات انسان اشاره دارند که ذیلاً به برخی از آنها به عنوان نمونه اشاره می شود:

- پیامبر اسلام (ص) می فرماید: «از جمله اعمال و نیکی های مؤمن که بعد از مرگ بدو می رسد دانشی است که منتشر کرده باشد، ... یا نهری که به کمک او جریان یافته باشد» (نهج الفصاحه). در جای دیگری نیز می فرماید: «هفت چیز است که پاداش آن برای بنده در قبر او و پس از مرگش دوام دارد، کسی که علمی تعلیم دهد، یا نهری به جریان آرد، یا چاهی حفر کند یا ...» (نهج الفصاحه). همچنین: «سه چیز چشم را قوت می دهد، دیدن سبزه و آب جاری و روی خوب» (نهج الفصاحه). و اینکه حمد خدا پس از آشامیدن آب سبب خشنودی خداست (نهج الفصاحه). ایشان در مورد پاکی آب نیز فرموده اند: «آب پاکست و چیزی آن را نجس نمی کند جز آنچه بو و مزه و رنگ آن را تغییر دهد» (نهج الفصاحه)، و اینکه «هر مسلمانی که مسلمان تشنه ای را سیراب کند خداوند روز قیامت از شربت سر به مهر به او بنوشاند» (نهج الفصاحه)، در نهایت اینکه «یکی از کسانی که در قیامت خداوند با آنان سخن نگوید و به آنها ننگرد مردی است که آب زیادی خود را از دیگران دریغ کند» (نهج الفصاحه).

امیرالمؤمنین (ع) در مورد خلقت جهان می فرماید: «آنگاه خداوند سبحان فضاها را شکافته را پدید آورد و به هر سوی راهی گشود و هوای فرازین را بیافرید و در آن آبی متلاطم و متراکم با موجهای دمان جاری ساخت و آن را بر پشت بادی سخت وزنده توفان زای نهاد. و فرمان داد، که بار

خویش بر پشت استوار دارد و نگذارد که فرو ریزد و در همان جای که مقرر داشته بماند. هوا در زیر آن باد گشوده شد و آب بر فراز آن جریان یافت [و تا آن آب در تموج آید]، باد دیگری بیافرید و این باد، سترون بود که تنها کارش، جنبانیدن آب بود. آن باد همواره در وزیدن بود وزیدنی تند، از جایگاهی دور و ناشناخته. و فرمانش داد که بر آن آب موج، وزیدن گیرد و امواج آن دریا برانگیزد و انسان که مشک را می جنبانند، آب را به جنبش واداشت. باد به گونه آب بر آن می وزید، که در جایی تهی از هر مانع بوزد. باد آب را پیوسته زیر و رو کرد و همه اجزای آن در حرکت تا کف بر سربرآورد، انسان که از شیر، کره حاصل شود. آنگاه خدای تعالی آن کفها به فضای گشاده، فرابرد و از آن هفت آسمان را بیافرید. (نهج البلاغه) و همین طور در مورد خلق انسان نیز می فرماید: «آنگاه خدای سبحان، از زمین درشتتاک و از زمین هموار و نرم و از آنجا که زمین شیرین بود و از آنجا که شوره زار بود، خاکی برگرفت و به آب بشست تا یکدست و خالص گردید. پس نمناکش ساخت تا چسبنده شد و از آن پیکری ساخت دارای اندامها و بدنها و مفاصل» (نهج البلاغه) (۴). امام سجاد (ع) نیز در فرازهایی از دعاها مشهور خویش به آب و باران و اهمیت آن اشاره می فرمایند، از جمله: «و بر فرشتگانی که همراه برف و تگرگ اند، و فرشتگانی که با دانه های باران که می بارد فرود می آیند... و بر فرشتگانی که سنجش آبها، پیمانه باران های سخت و رگبارها را به آنان شناسانده ای؛ (صحیفه سجادیه). «بار خدایا ما را به باران سیراب گردان رحمتت را به باران فراوان از ابری که برای رویانیدن گیا زیبا در اطراف زمینت روان است بر ما بگستران ... فرشتگانت را که بزرگوار و نویسنده اند، آماده ساز به آ، رساندن سودمند از جانب خود که فراوانی همواره و بارید بسیار داشته سخت و تند و شتابان باشد. که به آن آنچه مرده است زنده نمایی و ...» (صحیفه سجادیه)، و «بر خدایا خشکی شهرهای ما را به آب دادن خود زایل گردان

(صحیفه سجادیه).

اشاره به «قلبهای برگزیدگان» است (پورنامداران، ۱۳۶۷). سهروردی نیز مقصود از ماء (آب) را «علوم حقیقی» تعبیر می کند. (سهروردی، ۱۳۷۹ ه ق) در داستان «حسن و دل نیز که سخن از آب حیات می رود، باغ شهر را گلشن رخسار و چشمه مخفی آن را چشمه فم می نامد که آب حیات از آن جاری است (سیبک نیشابوری، ۱۳۵۱).

آب در فضاهای معماری و شهری ایرانی

سیستم های استحصال و نگهداری و توزیع آب، بخصوص در مناطق کم آب ایران، حاصل به کارگیری شیوه ها و ابداعات پیچیده فنی و ریاضی و ارائه روشهای مختلف اندازه گیری (حجمی و زمانی) بوده است که نمونه های بارز آن را در نوع تقسیم آب زاینده رود توسط شیخ بهایی، و تقسیم آب گل رودبار سمنان به پیشنهاد شیخ علاء الدوله سمنانی می توان مشاهده کرد، ضمن آنکه محل تقسیم آب نیز جلوه ای زیبا را به نمایش می گذارد که به مثابه اثری ماندگار و میراثی فرهنگی قابل توجه است. در شکل گیری و کمال بخشیدن به معماری شهرهای ایرانی و بخصوص آنهایی که در مناطق کم آب قرار گرفته اند، از قدیم الایام آب نقشی ارزنده ایفا می نموده است. این سخن به معنای کم ارزش جلوه دادن نقش آب در معماری مناطق پرآب و یا بی توجهی مردم آن مناطق به ارزشهای معنوی آب در فرهنگ ایرانی نمی باشد. سخن در این است که چگونگی تماس با آب و بهره گیری از معانی معنوی آن و توجه به آثار مثبت روانی مترتب بر این تماس، هیچ گاه (همچون امروز) مسئله ای تفننی به نظر نیامده و بسیار فراتر از آن به صورت سنتی معنوی که نتایج روحانی و معنوی نیز بر آن مترتب بوده است تلقی می شده است. به هر صورت بی مناسبت نیست، تا به طور اجمالی رابطه آب و عناصر معماری و شهری ایرانی معرفی شوند. با این تذکر که مراد اصلی از یادآوری، اصول حاکم بر آنها (و نه توصیه تکرار کالبدشان در عصر حاضر) می باشد، که می توانند به عنوان تجاربی تاریخی با شیوه های جدید آمیخته شده و راهی نو را فراراه انسان معاصر قرار دهند.

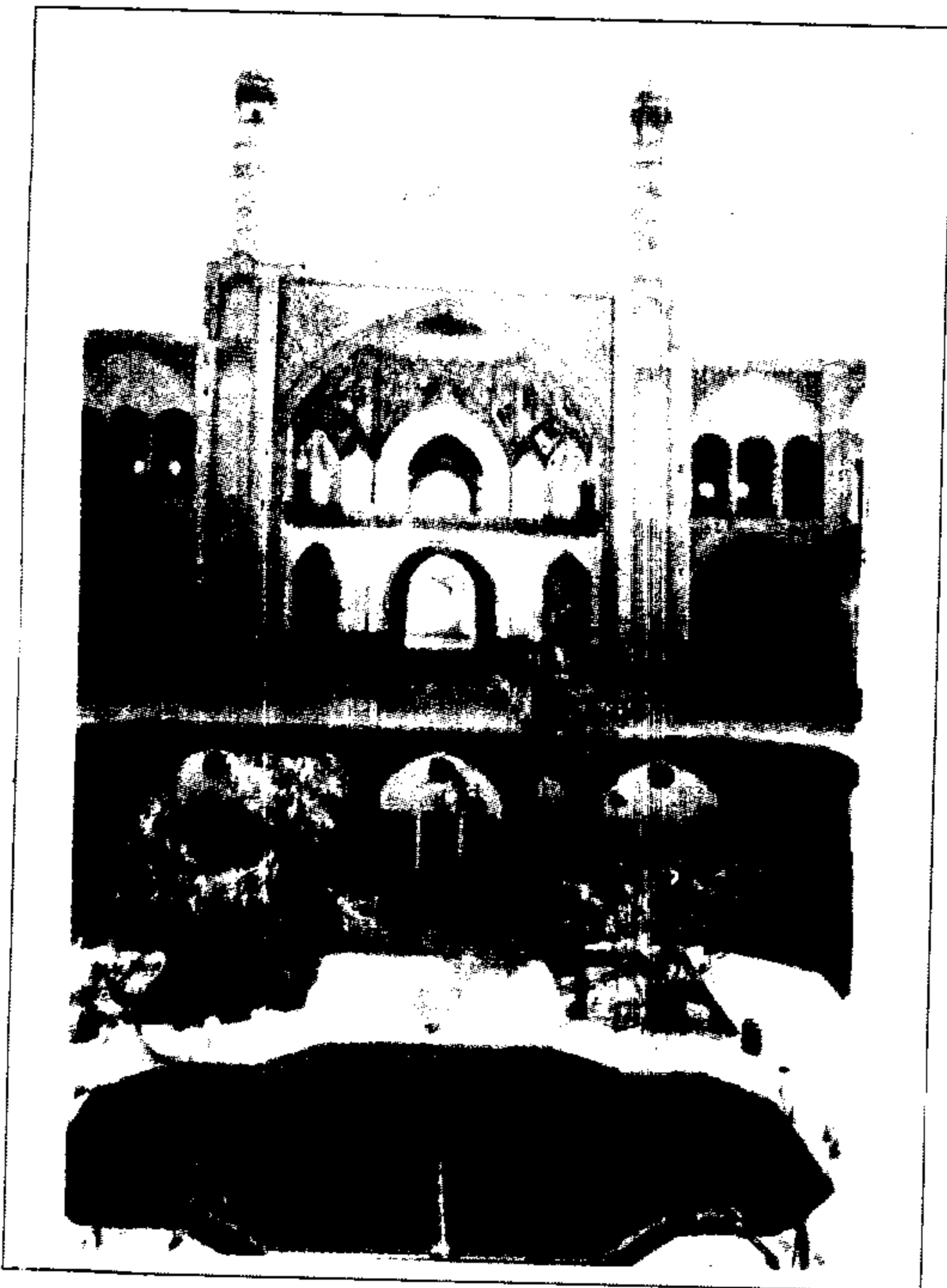
- نگاه به آب و آب جاری توصیه ای است که روایات اسلامی به آن اشاره دارند. چنانکه از امام صادق (ع) نقل است که «چهار چیز چهره را روشن می کند که یکی از آنها نگاه کردن به آب جاری است [و امام کاظم (ع) می فرماید] نگاه به آب جاری چشم را جلا داده و به روشنائی آن می افزاید» (بحارالانوار، ج ۷۶ و ج ۱۰ به نقل از رستمی، ۱۳۷۸).

- فراهم آوردن امکان دسترسی جامعه به آب نه تنها توصیه پیامبر مکرم اسلام (ص) بود که خود نیز به این موضوع اهتمام می ورزیدند، به طوری که در کلامی از آن حضرت آمده است که یکی از بهترین خیرات را جاری کردن آب «حفر قنات» معرفی می فرماید و خود نیز برای رونق و آبادانی و مهیا ساختن شرایط زندگی مساعد و مناسب و حفر قنات اهتمام می ورزیدند (پاکنژاد، ۱۳۶۱) این مسئله دو نکته مهم را یادآور می شود: یکی مشارکت عمومی در امور مربوط به محیط زیست، و دیگر توجه همگان و بویژه الگوهای جامعه به اهتمام در انجام خدمات اجتماعی.

- از امام صادق (ع) منقول است که می فرمایند: «آدمی باید طوری زندگی کند که پیرامون خود را آلوده نکند زیرا اگر آلوده نماید روزی می آید که بر اثر آلودگی، زندگی بر او دشوار و شاید غیرممکن باشد» (صحفی، به نقل از سلطانی ۱۳۷۸).

حکما و متفکرین: در مرحله بعد از معصومین (ع) حکما و متفکرین و مفسران و عرفای اسلامی هستند که به معانی نمادین آب در متون اسلامی اشاره نموده اند. برای نمونه در تفسیر (تأویل) بزرگانی چون ابن عربی در مورد آیات قرآن کریم، در برخی موارد از جمله در «انزل من السماء ماء فسالت اودیه بقدرها: خدا از آسمان آبی نازل کرد که در هر رودی به قدر وسعت و ظرفیتش جاری شد» (رعد: ۱۷) مراد از «آب»، «علم» است و مقصود از «آسمان»، «عالم علوی» و مراد از «اودیه»

دهان پنم بیندند. در فارسی کهن و میانه طهارت و شست و شو را پادیاو و پادیاوی یا پادیاب و نیز طشت آب را که با آن شست و شو می کردند پادیاب دان می گفتند و همچنین جایگاههایی را که برای شست و شوی می ساختند پادیاو نامیده می شده است. و تا چندی پیش، این پادیاوها یا گودال باغچه ها هنوز دیده می شد. در پیشخان جامع یزد در پای درگاه پادیاوی بود (اکنون پوشیده و انبار شده است) که کاریز از روستاهای نزدیک شهر (پیش از اینکه خشکد) از آن می گذشته و در آنجا آفتابی می شده، پس از خشکیدن کاریز، آبیگری نزدیک سردر مسجد ساخته بودند که درگاه بلند و بسیار زیبا در آبیگینه خود بار می نمود (پیرنیا، ۱۳۷۲).



تصویر شماره (۱): کاشان، مدرسه آقا بزرگ

البته با کمال تأسف باید گفت که این عناصر معنادار و فرهنگی بیرحمانه از بین رفته اند و جز معدودی از آنها بر جای نمانده است. برای نمونه این گونه گودال باغچه ها در یزد، نایین، اردستان، زواره، کاشان و بسیاری دیگر از شهرها دیده می شود. در مسجد ملک کرمان و جامع سمنان و جامع قزوین در میان

آب و فضاهای مذهبی: در ایران از روزگاران کهن به علت کمبود آب در بخش عمده ای از این سرزمین، ارزش و اعتباری بسیار برای آب قائل بودند و ستایشگاههای بزرگی برای نیایش ایزد نگهبان آب، آناهیتا (ناهید)، برپا داشته بودند (ورجاوند، به نقل از دائرة المعارف اسلامی).

در اسلام آب زمینه ساز ارتباط با معبود است و شرط دخول در بسیاری عبادات همچون نماز (در شرایطی عباداتی چون روزه)، شست و شوی انسان به صورت وضو و غسل می باشد. ضمن اینکه وضو یا غسل برای اعمال مستحبی توصیه شده و حتی وضو داشتن در همه حالات سفارش شده است. در ایران زمین از دیرین روزگار در نیایشگاه و بیرون از آن جایی برای شست و شو فراهم می کردند که نیایشگر و نمازگزار پیش از آنکه به نیایشگاه درآید پلیدی ها را از خود بزدايد و با شستن اندام و سروتن و پوشیدن جامه پاکیزه و بستن پنم آماده نیایش شود (پیرنیا، ۱۳۷۲). همراهی مسجد با آب پس از گسترش اسلام نیز به سمت کمال گرایش یافت به طوری که در دوران گذشته اشکال مختلف آن (پادیاو، گودال باغچه، حوض، آب انبار و ...) به عنوان جزء لاینفک اماکن مذهبی و بخصوص مساجد در آمدند (تصویر شماره ۱). طبیعی است که چنین مذهب و فرهنگی لزوم نزدیکی انسان و دسترسی سریع و آسان وی به منابع پاک کننده آب (وضوخانه، گرمابه و آب جاری) را الزامی می نماید. در مورد مجاورت آب و نیایشگاه مرحوم پیرنیا می نویسد: «در نیایشگاههای کهن پادیاو را در پیش درگاه اما در ژرفا می ساختند تا نمای درگاه بخوبی آشکار باشد و پیش دید را نگیرد (شاید هم چون در بیشتر شهرها آب روان روگذر کمیاب بود و ناچار از آب کاریزها و پایابها بهره می گرفتند سرای پادیاو را در زمین می کردند تا همتراز کار کاریز شود (آب آن آفتابی شود). توجه به پاکیزگی بیش از همه جا در معماری ایران به چشم می خورد، چنانکه بیشتر پرستشگاهها یا بر لب چشمه آب برپا شده یا در پیش آن جایی برای شست و شو ساخته اند تا ستایشگران پیش از درآمدن به آتشکده یا مهرابه دست و روی و دیگر اندامها را بشویند و جامه ای سفید و پاکیزه دربرکنند و پیش



تصویر شماره (۲): سمنان، حیات منزل مسکونی

علاوه بر اینها، حوضخانه‌ها، بویژه در شهری بیابانی چون کاشان در ارتباط انسان با آب و تلطیف شرایط سخت طبیعی نقشی شایان توجه ایفا می نمودند. حوضخانه نمونه ای از مسکن خاص کاشان است که در مسیر قنات‌هایی که به شهر وارد شده و از آن عبور می نموده اند احداث می شد. «این نوع بنا به عنوان یک مکان مسکونی [برای ماههای گرم سال]، منفک و مجزا از خانه ها و عمارات مسکونی، پدیده ای است که فقط در شهر کاشان و بعضی آبادی‌های نزدیک و چسبیده به شهر [مانند فین] به وجود آمده است» (امینیان، ۱۳۷۸). نوعی حوضخانه نیز در آران وجود دارد که به عنوان مکانی عمومی (مسقف و سرپوشیده) استفاده می شده است و حوض آن بعکس حوضخانه‌های مسکونی کاشان بسیار بزرگ بوده به طوری که قنات از آن عبور می کرده است، ایوانچه ها و غرفه های متعددی نیز در اطراف آن بنا می شد (امینیان، ۱۳۷۸).

همان گونه که در بحث فضاهای مذهبی بیان شد، حیاط‌ها نماد و تمثیلی از بهشت‌اند که در خانه های ایرانی نیز جلوه خاص خود را داشته اند. به تعبیر بورکهاردت، طبیعت بهشت

سرا و پیش گنبد پادیاو بوده که اکنون همه را از خاک انباشته و هامون کرده یا پوشانده اند (پیرنیا، ۱۳۷۲). به عکس دوران حاضر که معمولاً وضوخانه‌ها از کیفیت معماری متناسب برخوردار نیستند و با حذف صحن مسجد، حوض‌ها نیز از آن حذف شده‌اند، در گذشته جز پادیاو و گودال باغچه از وضوخانه‌های مسجد و حوضخانه‌هایی که در میان یا گوشه کوشک‌های زیبای ایرانی ساخته شده نیز باید یاد کرد. کمتر مسجدی است که در کنار یا در پیش سردر آن وضوخانه ای (درست مانند پادیاوهای ایران پیش از اسلام) نیز نداشته باشد. بجز مساجد، امامزاده ها و حسینیه ها نیز اغلب دارای پادیاو و یا وضوخانه هستند. در میان خانقاه ها نیز پادیاوهای زیبایی می توان یافت که برای نمونه صحن وکیل الملکی و عمارت سرچشمه بقعه و خانقاه ماهان را می توان نام برد که هر یک دارای پادیاوی کامل و زیباست (پیرنیا، ۱۳۷۲). به طور اجمال اینکه هر مسجد یا فضای مذهبی به طور معمول با منبعی از آب اعم از قنات، پادیاو، حوض، آب انبار و امثالهم در ارتباط نزدیک بوده است.

آب و فضاهای مسکونی: اماکن مسکونی و بویژه

حیاط‌های آنها مکان مناسبی برای ارتباط انسان با عناصر طبیعی و از جمله آب بودند. این ارتباط به طرق گوناگون انجام می شد. یکی از آنها وجود پادیاوها بود. پادیاو که کم کم از پرستشگاهها به درون خانه ها نیز راه یافته بود به دلیل درونگرایی معماری ایرانی، تبدیل حیاط‌های گود بسته به پادیاو و گودال باغچه لطف بسیاری به خانه‌های ایرانی داده بود حوض‌های داخل حیاط نیز با اشکال متنوع خویش در این زمینه نقشی ارزنده ایفا می نمودند (تصویر شماره ۲). حوض‌هایی به اشکال مختلف در حیاط‌ها و در بین باغچه‌ها ساخته می شد، مورد توجه بیشتر کسانی است که در مورد معماری ایرانی مطالعه نموده‌اند (Ettinghausen, 1976; Wilber, Mac Dougall, & Nasr, 1973 and Nasr, 1979). مرحوم پیرنیا در مورد شکل حوض‌ها می نویسد: این حوض‌ها در شکل‌های شش ضلعی ایرانی دوازده ضلعی، مستطیل با تناسب طولی بوده اند و در بعضی شهرها مثل شیراز آن را گرد می ساختند (پیرنیا، ۱۳۷۲).

ایجاب می کند که مستور و رازآلود باشد، علت این است که با دنیای باطنی و اعماق روان مطابقت دارد. به همین ترتیب خانه مسلمان با حیاط مرکزی محصور شده از چهار سویس به همراه درختان (باغچه ها) و آبی که در آن بوده مشابه این جهان معنوی بوده است (Burckhardt, 1967).

آب و فضاهای شهری: مراد از فضاهای شهری در اینجا عبارت از جملگی فضاهای عمومی، یا فضاهای وسیع خصوصی (باغها) است که در شکل گیری سیما و فرم عمومی شهر نقشی درخور ایفا می نموده اند. با این تذکر که فضاهای باز مرتبط با مسجد به دلیل اهمیت آن به طور مستقل مورد بررسی قرار می گیرد. یکی از بارزترین سیستم های استفاده از آب و همچنین جلوه زیبایی از نمایش آن، در باغهای ایرانی بوده است، که در سیستم آبیاری، حرکت آب در آب نماها، تعبیه فواره ها، آبشارها، استخرها و شترگلوها به منصف ظهور می رسیده است. در مورد مختصات این عناصر و نامگذاری آنها مرحوم پیرنیا می نویسد: «ضمن اینکه سازندگان، سیستمی جالب را برای آبیاری کرت ها به وجود آورده اند، سعی کرده اند که به بهترین وجه نیز آب را نمایش دهند. به همین دلیل سطوح را طوری انتخاب می کردند که جریان آب بخوبی نمایش داده شود. پله پله کردن مسیر جریان ملایم آب و تند و پرسر و صداکردن آن یکی از این روشها بوده است. در کف آب نماها و بیشتر جاهایی که آب فرو می ریخت اغلب تخته سنگی با تراش سفید کبکی و با طرحهای مختلف کار می گذاشتند که موج آب را زیبا جلوه دهد. آب نما به جوی هایی گفته می شده که برای منظره دادن به آب و جبران خشکی مناطق مورد استفاده قرار می گرفت. عمق این جوی ها حدود سی سانتی متر و عرض آنها در حدود ۸۰ سانتی متر بوده است. آب نماها فواره هایی داشتند که در فواصلی آب را به داخل آب نما پرت می کرده اند. این قسمت (آب نما) معمولاً سنگی بوده ولی در باغ فین از کاشی ساخته شده است. به فواره های بزرگ، شرن یا شلن می گفتند (شاریدن یعنی از بالا ریختن). از دیگر چیزهای ساخته شده برای جلوه دادن آب یکی آب گردان و دیگری آبشارسازی بوده است. در

هشت بهشت اصفهان آب از اشکوب ساختمان بر روی کاشی های طبقه همکف می ریخته است. در دوره قاجاریه نیز، چنین آبشارهایی را می ساختند. در چشمه عمارت بهشهر برای بردن آب از مکینه (تلمبه) استفاده می کردند. در جلوی کوشک اصلی باغها معمولاً استخری به شکل مربع یا مستطیل وجود داشته است. ساخت استخرهای گرد، فقط پیش از اسلام و اوایل آن معمول بوده است بعدها به کار نمی رفتند. حوض بیضی شکل را هیچ وقت نمی ساختند و اعتقاد بر این بوده که آب در حوض بیضی زودتر گندیده می شود. بعدها این حوض ها یک شکل هندسی منظم و ساده از شش ضلعی تا دوازده ضلعی به خود گرفت. معمولاً در اغلب جاها از شکل هشت ضلعی استفاده می کردند و یک نمونه حوض شش ضلعی در قسمت ورودی خانقاه بندرآباد یزد وجود دارد. دوازده ضلعی را بیشتر در استخرهای نسبتاً بزرگ به کار می گرفتند حوض های هشت ضلعی گاهی اوقات به صورت هشت و نیم و هشت و نگینی و یا کشکولی ساخته می شده است» (پیرنیا، ۱۳۷۲).

پی یترو دولواله در وصف چهارباغ می نویسد: «با فاصله هایی چند و غالباً در مقابل خانه های زیبا حوضهای بزرگی به اشکال مختلف در وسط خیابان قرار گرفته که مملو از آب است و هر یک از آنها تا کنار معبر عریضی که برای عبور مردم پیاده و سواره ساخته شده گسترش یافته است. نهر بزرگی که در بستر سنگی جاری است و تمام طول خیابان را از وسط آن می پیماید این حوض ها را سیراب می کند. در بسیاری از این حوض ها آب از فواره ها جهش می کند و در بعضی دیگر به صورت آبشارهای کوچکی سرازیر می شود. شاردن نیز در مورد حوض های خیابان می نویسد که حوض ها از نظر اندازه و شکل متفاوت اند، و کوچه هایی که به خیابان می پیوندند دارای جوی های آب و دو ردیف درخت چنار هستند (هنرفر، ۱۳۶۳).

آب و عناصر معماری مرتبط با آن

باید گفت که بسیاری کشورها از جمله ایران در زمینه آثا مرتبط با منابع آبی سوابق چندین هزار ساله دارند. سدسازی به

و در مسیر گذرهای اصلی، تشنگان را سیراب نموده و تاریخی حماسی و ارزشهایی جاودان را در خاطره ها زنده می کردند.

آب انبار و یخچال: آب انبارها و یخچال ها، تأمین کننده

آب خنک و مطمئن اهل شهرها و روستاها و حتی خانه ها در طول سال بودند. یخها و برفهای طبیعی و آبهای جاری در فصل مناسب در آنها انبار شده و در فصول دیگر مورد استفاده قرار می گرفت. آب انبار (امبار)، نوعی مخزن آب سرپوشیده و آب بندی شده و بیشتر ساخته شده در پایین تر از سطح زمین (به منظور ذخیره آب آشامیدنی برای ایام کم آبی یا پایداری در برابر دشمن در هنگام محاصره شدن و گاه استفاده از آب خنک در تابستان) در شهرها، روستاها، دژها، مسیر راههای کاروان رو (در رباطها و کاروانسراها) و در دل کوهها ساخته می شد. مکان یاد شده یکی از ساختمان هایی بود که از زمان های بسیار دور برای تأمین و نگهداری آب، بویژه در مناطقی که به آب دائمی (چشمه و قنات) یا فصلی (باران) متکی بود ابداع شد و توسعه یافت. یکی از کهن ترین نمونه های آب انبار در ایران در کنار محوطه چغازنبیل، مربوط به هزاره ۲ ق. م. و دوران شکوفایی تمدن ایلام به دست آمده است. آب انبار در سراسر راههای ایران و در شهرهای این سرزمین به تعداد بسیار دیده می شود و بعضی از آنها که در شهرهای خشک و کم آب ساخته شده اثری بسیار زیبا و از لحاظ معماری شایان توجه است (پیرنیا و افسر، بیتا و پیرنیا، ۱۳۷۲). با رواج سفرها و گسترش شهرها، ابتدا ساختن آب انبارهای استوانه ای رایج شد، که شاید تکنیک ساختن گنبدهای دورچین به صورت کروی یا مخروطی نیز از همین دوران و به همین علت در معماری ایران به وجود آمده است. در این دوران با پدید آمدن شهرها و محله های جدید، آب انبارها مانند عناصر محوری و مرکزی در کنار مسجد، مدارس، بازارها و کاخهای دولتی قرار گرفت (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۴). نقش حیاتی آب انبارها در بافت شهرها، بخصوص در شهرهای حاشیه کویر و منطقه های کم آب ایران، و تکامل طرح و شیوه ساختمان و بعد هنری و تزئیناتی آنها (بویژه در سردرها و کتیبه های الحاقی بدانها) در دوران اسلامی چنان چشمگیر است که می توان



تصویر شماره (۳): اسفراین، آب جاری در فضاهای شهری

دوران ماقبل تاریخ باز می گردد و آمیزه جدانشدنی تمدن های خاورمیانه و خاور دور بوده است. تعداد بیشماری از سدهای بااهمیت و قابل توجه، توسط تمدن های بسیار قدیمی در خاورمیانه از جمله ایران ساخته شده بود (نواک، ۱۳۷۳). در معماری ایرانی علاوه بر آنکه تقریباً جملگی عناصر و فضاهای معماری از جمله خانه و مسجد و حسینیه و بازار و حتی معابر به نحوی با آب مرتبط بوده اند (تصویر شماره ۳)، بسیاری عناصر معماری نیز اختصاصاً برای نگهداری و توزیع و مصرف آب به وجود می آمدند که ذوق و هنر ایرانی تجلی زیبا و دلپذیر و پرمعنای خویش را در آن به نمایش می گذارد. از جمله مهمترین این عناصر، آب انبارها، آسیاب ها، سقاخانه ها، حمام ها، پل ها، ندها و حتی (به نوعی) قناتها را می توان نام برد.

سقاخانه: سقاخانه به مثابه سمبل و یادآور عزت و هویت

و آزادی و حریت، و عدالتخواهی و ایثار، جوانمردی، و مروت بوده و هویت دینی و فرهنگی و ملی و حماسی یک ملت و یک امت را در خود نهفته داشته و آنها را به هر رهگذری گوشزد می نمود. سقاخانه ها معمولاً در مرکز محلات و در جوار حسینیه ها و تکایا

برخی از نمونه های این پدیده معماری را از لحاظ ارزش های هنری، فرهنگی، فنی و تاریخی همسنگ برخی مساجد بزرگ، گوشک ها، مقابر و دیگر آثار هنر معماری ایران اسلامی معرفی کرد و در بسیاری از نقاط بزرگترین و چشمگیرترین واحد معماری به شمار آورد (تصویر شماره ۴). زیرا دیگر بناهای همگانی این نقاط در برابر آنها نمودی ندارد. آب انبارها را می توان بر اساس شکل و طرز ساختمان مخازن و نوع پوشش آنها، عناصر به کار گرفته برای تهویه و تبرید آب، نوع دسترسی به مخازن و فضاهای ارتباط دهنده، نحوه آبرسانی به مخازن و همچنین از نظر تزئینات به کار رفته در آنها از یکدیگر متمایز ساخت. از این گذشته آب انبارها بر حسب خصوصیات منطقه ای و سلیقه ای سازندگان محلی، سبک های مشخصی دارند که می توان آنها را از نظر گونه شناسی و سبک شناسی نیز بررسی کرد. آب انبارهای خصوصی، آب انبارهای عمومی، آب انبارهای روستایی، آب انبارهای قلعه ای، آب انبارهای میان راهی، و آب انبارهای بیابانی.



تصویر شماره (۴): سرخه، آب انبار

بادگیرها: اگرچه بادگیرها به عنوان یکی از عناصر اصلی تنظیم شرایط محیطی داخل عمارات و هدایت کننده باد خنک به داخل ساختمان به منظور تلطیف و خنک نمودن فضاهای داخلی ساختمان ها در شهرهای بیابانی ایران (مثل یزد و کاشان و کرمان) ایفای نقش می نموده اند، یکی از کارکردهای اصلی آنها نیز در تکمیل ساختمان آب انبارها بوده است، به این ترتیب که برای سالم و خنک نگه داشتن آب در آب انبارها علاوه بر اتخاذ

برخی تدابیر فنی و معماری از جمله: ساختن مخازن پایین تر از سطح زمین، انتخاب دیوارهای قطور برای آنها، بادگیرهایی را نیز بر حاشیه طاق و روی دیوارها تعبیه می کردند. این بادگیرها که در نواحی کویری و جنوب ایران بسیار بلند، بزرگ، گاه باشکوه و به شکل استوانه، مکعب، منشورهای هشت ضلعی یا خرطومی ساخته می شدند، نقش اصلی خنک کردن مخازن آب و نیز منازل را به عهده داشتند (دایره المعارف اسلامی) (تصویر شماره ۵).

پلهها: پلهها، بیشتر علاوه بر فراهم آوردن امکان عبور و مرور از رودخانه ها، خود به مثابه عنصری معماری، به عنوان پدیده ای زیبا و خیره کننده بودند که نمونه های بارز آنها را در اصفهان می توان مشاهده کرد. پل یکی از عناصر معماری (مهندسی) است که بر روی مسیرهای عبور آب برای ارتباط طرفین احداث می شد. مروری اجمالی بر این سازه ها، بیانگر هنرمندی طراحان و سازندگان آن است به گونه ای که تمایز آشکارشان با آنچه امروزه ساخته می شود کاملاً مشهود است. برای نمونه: در مورد پل خواجه می توان گفت: یکی از عواملی که همواره در بسیاری آثار سنتی و از جمله این پل به چشم می خورد توجه به زیبایی و بعد معنوی مصنوعات انسان (حتی در آنهایی که کاربرد خاص ظاهراً فنی و تکنیکی و مادی دارند) است. این پل طبق ضوابطی خاص در واقع به عنوان بندی (نواک، ۱۳۷۳) بر روی رودخانه زاینده رود و محل تقسیم آب به نواحی مختلف احداث شده است. لکن توجه به معماری خاص آن سبب شده است که این سازه آبی بتواند عملکردهای دیگری را نیز از جمله زیبایی خیره کننده به نمایش بگذارد. بهره گیری از فرمهای آشنا و با هویت معماری در کالبد سازه از دیگر ویژگی های این اثر است. این تمهید، کالبد سخت سازه را تعدیل و تلطیف نموده و آن را از توده ای از مصالح بودن که بخواهد خود را بر انسان و محیط اطراف تحمیل نماید رها نموده و فرم و محیط و فضایی آشنا برای ناظران به وجود آورده است. در حقیقت بهره گیری از فرمها و اشکال حامل پیام های نمادین که در بسیاری آثار معماری با ارزش همچون مساجد و مسکن به چشم می خورند سبب شده است تا تأکید بر برتری معنویت بر مادی

عناصر اقتصادی مهمی بودند که با کمترین نیروی انسانی (معمولاً پیرمردی بود) کار کرده و بیشترین بازدهی اقتصادی را داشتند. ضمن آنکه با بهره گیری از نیروی آب، فاقد هرگونه آلودگی و تخریب محیط بودند. با وجود کثرت آنها در غالب آبادی‌ها بنا به گزارش باستانی پاریزی: «آمار دقیقی از تعداد آسیاها نداشته ایم. ولی به حساب تخمینی که من در کوهستان خودمان زده ام، هر پنج ده، معمولاً دو آسیا دارند، و با این حساب کل پنجاه هزار ده ایران مطمئناً از بیست هزار آسیا بیشتر داشته‌اند، و البته این آمار در حومه شهرها و دهات آن شاید اندکی بیشتر بشود. در تاریخ قم از ۵۱ آسیا نام برده اند و در زمان حیات مؤلف سی و نه تایی آن آبادان بوده. آسیاهای متعدد اغلب از یک جوی نیرو می گرفته» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۴).



تصویر شماره (۵): یزد، آب انبار

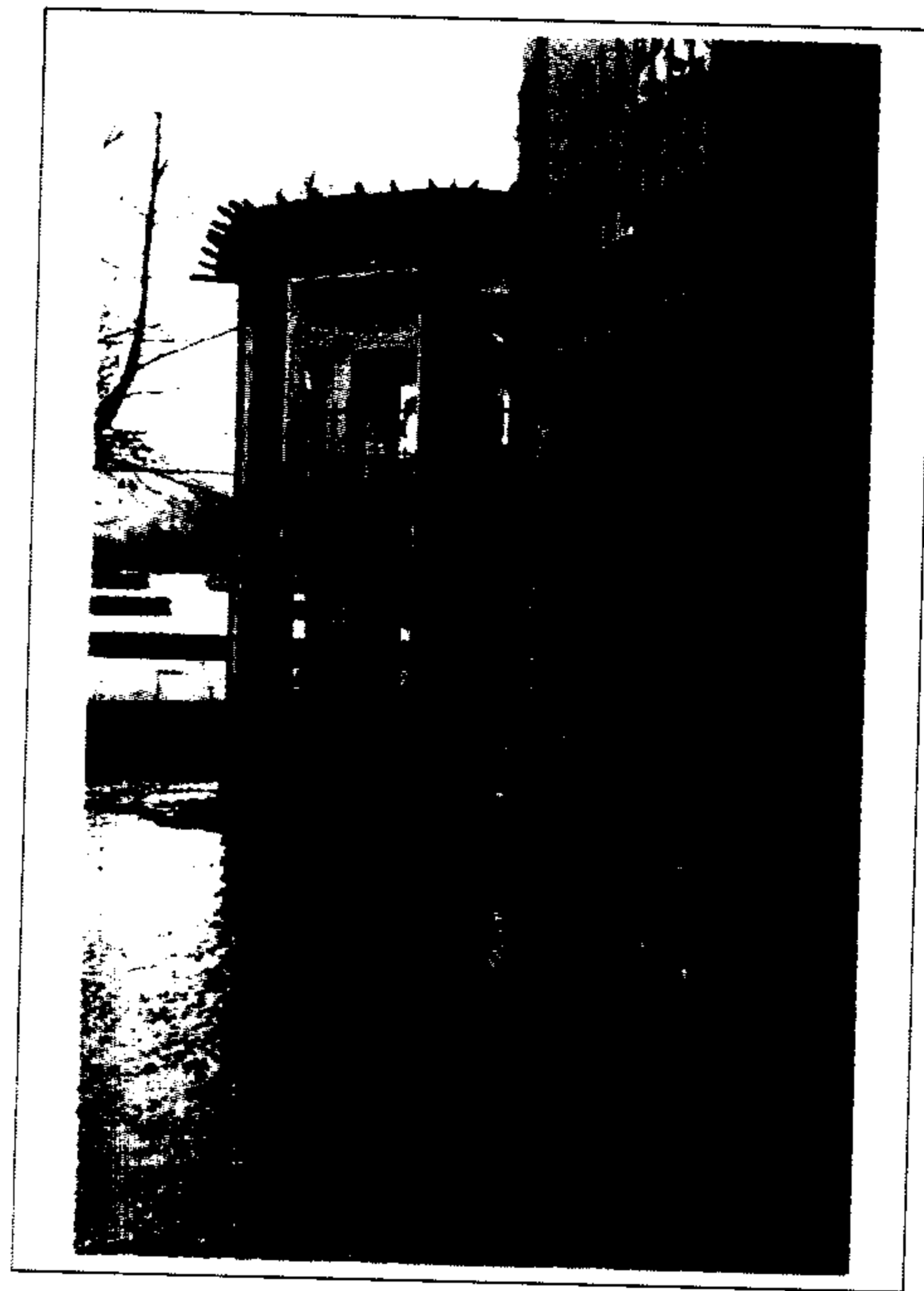
آب بندها و استخرها: آب بندها و استخرهای تقسیم آب (حتی پل خواجه) که با محاسبات ریاضی پیچیده، تقسیم کننده و تأمین کننده آب مورد نیاز روستاییان و کشاورزان بودند، جلوه ای از آگاهی و پیشرفت دانش ریاضی زمان خود بودند. این استخرها اغلب در مسیر چشمه ها و نه‌رهای که آبدهی اندکی داشتند ساخته می شدند، تا با جمع آوری آب در طول زمان، شبانروز یک یا دو بار تخلیه شده و از آب جمع شده در پشت دیواره استخر برای آبیاری مزارع و باغها و یا پرکردن آب انبارهای شهر استفاده می کردند (تصاویر شماره ۶ و ۷).

صرف به نمایش گذارده شود. انعطاف پذیری، یا چند بعدی (چند عملکردی) بودن سازه، سبب شده تا در عین داشتن عملکردی فنی، محل عبور و راه ایفا و همین طور محلی برای تفرج و بهره گیری از زیبایی‌های طبیعی را برای بینندگان خلق نماید. این چند عملکردی بودن، نمایشی است از حداکثر بهره گیری از سرمایه و نیرویی که صرف یک سازه آبی گردیده است.

آسیاها: آسیاهای آبی با سادگی ظاهری خویش یکی از سالم ترین و کارا ترین نوع استفاده از انرژی پتانسیل آب را به نمایش گذاشته و جلوه ای از توسعه پایدار بودند که امروزه بشر در پی آن است، و متأسفانه تقریباً «متروک» شده اند. آسیا از مظاهر خاص تمدن ایرانی تا چند سال پیش در هر شهر و قریه و کوره دهی، بود. همان طور که امروز آبادانی شهرها را به تعداد سینماها و مراکز هنری آن می شناسد و روزگاری تعداد مسجد و کثرت منابر میزان بزرگی و آبادانی شهری بود، برای هر ده و کوهستان هم، آسیا، سمبل و نشانه آبادانی بود. یا هنگامی که می خواستند میزان آب رودخانه یا قناتی را اندازه بگیرند با همین کلمه آسیا بیان می کردند و می گفتند: فلان قنات سه یا چهار «آسیاگردان» آب دارد. هزار سال پیش صاحب حدود العالم در اب قدرت آب رودخانه جیرفت می نوشت که «آب وی چندان ست کی شصت آسیا بگرداند. معروفترین نوع آس، آسیاب بود که تنوره ای معمولاً به عمق بیش از ده متر داشت و در انتهای آن سوراخی باریک بود. آبی که در این تنوره داخل می شد، با شاره، پره های چرخ چوبین را که در برابرش بود می گرداند و گردش چرخ، سنگی عظیم که بر بالای میله وسط آن چرخ را گذارده شده بود به چرخش در می آمد. این سنگ گردان بر نگی ثابت که زیر آن قرار گرفته بود مماس بود و دانه ای که سوراخ سنگ گردان بین این دو سنگ قرار می گرفت آرد می شد و از اطراف سنگ زیرین فرو می ریخت و در محفظه ای زیر آن جمع می گردید (باستانی پاریزی، ۱۳۶۴). بجز آسیاهایی مانند باهای شوشتر که کنار رودخانه ساخته شده بودند و تمام سال می کردند، آسیاهای دیگر بسته به فصل سال و میزان آب در ترس، کارکردهای متفاوتی داشته‌اند. آسیاهای آبی یکی از

وحدت و قانونمندی و تعادل طبیعت، و نتیجه نوعی فساد در زمین است. فساد هم تنها تخلیه پساب‌های آلوده و مسموم صنعتی به درون منابع آبهای طبیعی نیست، بلکه هرگونه خروج از عدالت و تعادل، هر بی توجهی به هماهنگی و وحدت عالم وجود، هر بی اعتقادی به هوشمند بودن عالم هستی، و هر عمل مسرفانه و مبذرگونه و ستمکارانه، به نوعی فساد در زمین تلقی می شود که مخالف اصلاح و در نتیجه در تقابل با ظهور محیطی سالم برای حیات طیب انسان است (قرآن مجید، شعراء: ۱۵۲-۱۵۱، اعراف: ۵۶، مؤمنون: ۷۱ و بقره: ۲۷).

با تحولات و دگرگونی‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، فنی و هنری که در جامعه به دلایل تعاملات مختلف با سایر جوامع رخ نموده است، نحوه نگرش به آب و در نتیجه نوع استفاده از آن و همچنین عناصر مرتبط با آب در فضاهای معماری و شهری دگرگون شده است، حتی در بسیاری موارد بدتر از سایر جوامع گردیده است، زیرا اولاً بسیاری از جوامع که به عنوان الگو مورد تقلید قرار می گیرند، منابع آبی غنی تری دارند، ثانیاً ایرانیان از دیرباز در تجلی بخشیدن به آنچه امروزه توسعه پایدار نامیده می شود، با پیروی از اصولی چون قناعت و احتراز از اسراف و مصرف صحیح و احتراز از آلودن محیط و بسیاری اصول دیگر، بسیار پیشرفته تر از جوامع دیگر و حتی در برخی موارد از جوامع معاصر عمل می نموده‌اند. شاید علت اصلی را نیز بتوان در ماهیت فن آوری جست‌وجو کرد که «رفتن» یا «ره سپردن» را بدون فلسفه و جهان‌شناسی به انسان‌های معاصر دیکته نموده است و شاید بتوان وضع حاصل را نتیجه شهرنشینی مدرن و الگوی زندگی وارداتی دانست که رابطه مرد با امکانات شهری را به گونه ای مطرح نموده که گویا دولت متکفل جملگی امور است و کسی وظیفه ای در قبال محیط زندگی خویش ندارد. این مسئله بویژه در مواردی که بهای آن سوی مردم پرداخت می شود، بخصوص وقتی که «بهای اندک باشد شدت بیشتری دارد. در واقع مشکلات آلودگی و کمبود اسراف و بسیاری مسائل دیگر را می توان موضوعات درجه محسوب نمود، مشکل اصلی این است که علم و فن آو



تصویر شماره (۶): دامغان، چشمه علی

قنات‌ها: که یکی از شاهکارهای مهندسی دوران و از ابداعات ایرانیان بودند، امکان ایجاد بهشتی زمینی در دل کویر را فراهم آورده و تفسیر عملی حیات بخشیدن به زمین مرده بودند.

مروری اجمالی بر وضع موجود

مشکلات اساسی امروز در ارتباط با آب، در مقولاتی چون آلودگی آب، کمبود آب و مصرف بی رویه آن ذکر می شود. این در حالی است که این مسائل، معلول هستند و نباید به عنوان علل و ریشه‌های بنیادین به آن توجه کرد. مسئله اساسی این است که بشر امروز بدون توجه به حکمت و فلسفه و جهان‌شناسی معنوی و غفلت از فرهنگ غنی خویش، به سراغ علم و فن آوری رفته است. او با حساب و کتاب مادی و سوداگر و عقل حسابگر و تجارت پیشه قصد حل معضلات را دارد و این ممکن نیست. انسان معاصر باید دریابد که نه تنها بحران آب بلکه فراتر از آن بحران محیط زیستی معاصر در وهله اول بحران اخلاقی و بحران معنوی نیز می باشد (محقق داماد، ۱۳۸۰ و نصر، ۱۳۷۷ و Nasr, ۱۹۹۰). این مشکلات حاصل بی توجهی به کلیت و

شیمیایی و بیولوژیکی) به منابع آبی سرازیر می شوند.

نتیجه گیری و پیشنهادها

تدوین یک نتیجه گیری جامع از نوشتار حاضر که مشتمل بر پیشنهادهای کاربردی نیز باشد، در این مرحله زود هنگام و مشکل است. علت هم در این است که موضوعی کاملاً بدیع مطرح شده است که به الهام از اصول (ونه به کالبد) تجارب تاریخی توجه دارد. مضافاً این که، این اصول نیز در بستر عقاید و فرهنگ و جهانبینی مورد بررسی و معرفی اجمالی قرار گرفته است. در واقع، سخن اصلی آن است که به عقاید و تجارب تاریخی در مورد آب نباید با دید موزه‌ای و تنها به عنوان میراثی فرهنگی نگریست، بلکه باید با تعمق و پژوهش (البته کار ساده‌ای هم نیست) به اصولی از آن دست یافت، مرحله دشوارتر بعدی به کار بستن آن اصول در دوران جدید می‌باشد. مضافاً اینکه موضوعات پیچیده فرهنگی و اعتقادی (بویژه در بعد معنوی) مدنظر بوده اند که اگرچه جهان معاصر برای حل معضلات محیط زیستی مبتلا به، گرایش به آن را توصیه می‌نماید، ولی با تسلط بیرحمانه سیاست و سرمایه و مصرف و اقتصاد، موضوعی سهل نمی‌باشد. علی‌ای حال، بدون احساس ناامیدی محض و با امید به بیداری بشریت، نتایج برخی موضوعات مطروحه که می‌توانند به بهبود وضعیت محیط زیست جامعه و تغییر تلقی مردم نسبت به آب و محیط ایفای نقش نمایند به اختصار و به شرح زیر تقدیم می‌شود:

- مروری اجمالی بر متون اسلامی حاکی از آن است که استنادات فراوانی را می‌توان یافت که به حفظ و ارتقای شرایط محیط زندگی انسان و احتراز از اخلال در آن اشارات محکمی دارند. هستی با دانش‌های مختلف سروکار دارد که برای شناخت و فراهم آوردن امکان تداوم حیات متعادل، برای آن که انسان جزیی از هستی است (و به این ترتیب برای تداوم حیات سالم انسان)، آگاهی به جملگی این دانش‌ها و همکاری‌شان ضرورت دارد. همان‌طور از کلام الهی و تعالیم معصومین (ع) بر می‌آید، آب «نعمت» است

معاصر اغلب بدون توجه به مبانی فلسفی و جهانبینی و وجوه اشتراک، یا افتراق آنها با مبانی و آرمان‌های حیات مورد استفاده قرار می‌گیرند. در واقع بحران محیط زیستی که موضوعات مرتبط با آب، از جمله بی‌توجهی به معانی و ارزش‌های نمادین و معنوی آن، آلودن آب، مصرف بی‌رویه آن، و امثالهم، ناشی از بحران معنویت و بحران اخلاقی رایج عصر حاضر است.



تصویر شماره (۷): سمنان، آب پخش
(محل تقسیم آب چشمه کل رودبار)

علاوه بر اینها بسیاری فرم‌ها و اشکال غیرایرانی نیز مورد تکرار و تقلید قرار گرفته اند. برای نمونه نهرها و جوی‌های آب جاری یا خشک شدند و یا اینکه اگر آبی را از خود عبور می‌دهند، به دلایل بیشماری از جمله اینکه چون مردم دیگر آن را متعلق به خود و برای استفاده خود نمی‌دانند، آلوده و در بسیاری موارد محل تخلیه زباله‌ها و فضولات شده‌اند. حیاط خانه‌ها به معنای حقیقی آن که مکانی برای زیست و فعالیت‌های روزانه بوده، از بین رفته و تبدیل به یک فضای باز شده که اگر اجبار و قانون نبود آن نیز به بنا اختصاص می‌یافت. فواره‌ها و آب نماها و حوضها منحصر به برخی پارک‌ها (بوستان‌های) عمومی شهرها شده اند، که در بسیاری موارد نه تنها آلوده اند که حتی رنگشان نیز دگرگون شده است. ضمن آنکه از نظر شکل و فرم نیز فاقد هویتی بومی و ملی، و تقلیدی از فرمهای بیگانه هستند. در خارج شهرها وضع بسیار اسفناک‌تر است، فاضلاب کارخانه‌ها (غالباً بدون تصفیه شدن و حذف آلاینده‌های

خویش که منتج به ضرر دیگران شود منع می نماید. عدم جواز زیان رساندن و تلف کردن مال دیگران که منجر به ضمان می شود نیز اصل حقوقی مهم دیگری است که طبیعت و آب را به عنوان یکی از بارزترین مصادیق اموال دیگران می توان مشمول آن قرار داده و حفاظت از آن را تضمین کرد.

عدالت که مهمترین اصل حاکم بر عالم هستی و عامل بقا و دوام آن است^(۶)، در حفاظت و استفاده صحیح از منابع آب نقشی بنیادین را ایفا می نماید. تداوم حیات سالم انسان به میزان زیادی نیازمند سلامت طبیعت و عناصر طبیعی از جمله آب و ارتباط مستقیم و غیرمستقیم انسان با آن می باشد. آب در تأمین قسمت اعظم نیازهای انسان نقشی اساسی ایفا می کند، ضمن آنکه در هضم و استحاله فضولات و آلاینده های فعالیت های انسانی که بایستی توسط طبیعت انجام شود نیز تأثیر شایان توجهی دارد که البته این توانایی بسته به حجم، مقدار و نوع آن متغیر است. بهره مندی از موهبت آب و منافع بیشمار آن، مادامی برای انسان امکان پذیر و میسر است که فعالیت های انسان تعادل موجود در طبیعت را برهم نزنند. تعادل موجود در طبیعت توسط عوامل گوناگونی بر هم خواهد خورد که مهمترین آنها تلاش های جوامع انسانی است که برخی عناوین عمده آن عبارتند از:

- از بین بردن اکوسیستم های طبیعی، یا اختلال در حیات آنها
- تخلیه فضولات در محیط (آب، خاک و هوا) بیش از توان محیط در جذب و امحای آنها
- بهره برداری بیش از حد تعادل از منابع طبیعی مانند جنگلها، و از بین بردن پوشش های گیاهی
- بی توجهی به برداشت آبهای زیرزمینی و فقدان برنامه برای غنی سازی آنها
- اگرچه کالبد همه این ابداعات و عمارات و آثار (در حد امکان) امروزه به عنوان میراث فرهنگی و یا آثار باستانی

و به این ترتیب این نعمت الهی نباید آلوده شود، مورد اسراف قرار گیرد، و بالعکس باید برای مصرف آن شکرگزاری شود. معنای شکر نیز مصرف کردن نعمت در جایی است که ولی نعمت را آشکار کند (طباطبایی، ۱۳۵۷ و مطهری، ۱۳۶۷)^(۵). به هر حال این موضوعات در مقولاتی قابل دسته بندی هستند:

- از نظر وظیفه انسان: مقام خلیفه الهی انسان در زمین، به انضمام لزوم شرط امانتی که رعایت آن را پذیرفته است، این گونه ایجاب می کند که انسان در به کار بستن نعمات الهی (و از جمله آب) مقولاتی چون تذکر، شکر، حفاظت از آیات الهی، استکمال، اصلاح، و عمران را مدنظر داشته و از تباهی و فساد و اسراف و تبذیر و بطالت و بیهودگی احتراز نماید.
- از نظر اخلاق عملی: بسیاری از اصول اخلاقی مطرح و سفارش شده در اسلام، مصادیق بارز و روشنی در قلمرو محیط زیست دارند، بخصوص که این اصول به عنوان راهنمای ایرانیان در شرایط سخت اقلیمی ایفای نقش نموده و محیطی را پدید آورده است که می تواند به عنوان یکی از جلوه های توسعه پایدار مطرح شود. اهم این اصول عبارتند از قناعت، شکر (به عبارتی احتراز از کفران نعمت)، همزیستی با طبیعت، صبر و استقامت، احساس بی نیازی و غنی بودن، استقلال و خودکفایی، احتراز از آزمندی و طمع و اسراف و قس علیهذا.
- از نظر مباحث حقوقی: با مراجعه به بسیاری مباحث حقوقی و فقهی مطرح در تعالیم اسلامی که برای زندگی جمعی تدوین شده است نیز می توان به حرمت آلودن و تخریب منابع آب (طبیعت) و لزوم استفاده صحیح از آنها و همچنین حفاظت و نگهداری شان برای دیگران و نسل های آتی استفاده کرد. از جمله معروفترین این مباحث قاعده لاضرر است که به عنوان یکی از ارکان حقوق اجتماعی مطرح می شود. این قاعده از آن جهت اهمیت دارد که انسان را از تصرف نامناسب در مال

به هر حال در جهت بحران مقابل، باید قبل از هر چیز بحران معنویت و بحران اخلاقی موجود را مرتفع نمود. به بیان دیگر سخن در این است که وجدان انسان باید بیدار شود و به این موضوع بنیادین توجه کند که جهان واحدی زنده و هوشمند است «یسبح له السموات السبع و الارض و من فیهن و ان من شیء الا یسبح بحمده ولکن لا تفقهون تسبیحهم انه کان حلیماً غفوراً: هفت آسمان و زمین و هر چه در آنهاست همه به ستایش و تنزیه خدا مشغول اند و موجودی نیست جز آنکه ذکرش تسبیح و ستایش حضرت اوست ولیکن شما تسبیح او را فهم نمی کنید همانا او بسیار بردبار و آمرزنده است (بنی اسرائیل: ۴۴)»، و در صورتی که به این وجه مهم توجه نشود و هر جزء و قسمتی از آن که آسیب ببیند، کلیت جهان عکس العمل نشان خواهد داد. در واقع هر گونه آلودگی و خروج از تعادل و بی نظمی و ناهماهنگی و زیاده روی و بی برنامه‌گی که در مورد هر یک از عناصر طبیعی رخ دهد، هم سایر اجزا را تحت تأثیر قرار خواهد داد، و هم اینکه کلیت محیط برای اصلاح نابسامانی موجود بر علیه موجد نابسامانی به پا خواهند خاست.

*موضوع بسیار مهمی که غالباً مغفول می ماند، آموزش عمومی جامعه در انجام وظایف و تکالیف و آشنایی به حقوق خویش و ارتقای آگاهی در مورد عواقب سوء غفلت از آنهاست. طبیعی است که این آموزش‌ها نباید به برخی سخنان کلیشه ای و آمرانه در برخی رسانه های جمعی، یا به موضوعات خاص کمی محدود شود. بلکه آموزش بایستی جامع و فراگیر بوده و بسته به افراد و گروههای اجتماعی و نیاز آنها، نوع و شیوه و ابزار و موضوع آموزش متفاوت خواهد بود. موضوعی که توجه به آن در کنار هر نوع آموزشی (در مورد هر موضوعی) ضرورت دارد، فراهم آوردن امکان مشارکت عمومی و ترویج این تفکر است که محدوده مالکیت و قلمرو زندگی انسان به خانه اش محدود و منحصر نمی شود که اداره و کنترل و بهبود کیفی و کمی خارج از آن را به دیگران و از جمله دولت واگذارد. در واقع سخن

ثروت ملی حفظ می شوند، ولی یک نکته کماکان مغفول و مهجور مانده است، و آن چگونگی بهره گیری از این میراث عظیم بشری در جهان امروز است. جهانی که با گرفتار شدن در تبعات سوء فعالیت‌ها و تولیدات خویش در حال به سر عقل آمدن است. جهانی که در حال درک مشکل و بتدریج در پی یافتن راه حل برای امحای انواع آلودگی‌ها، حفاظت از منابع طبیعی، پیشگیری از آلودن آنها، بهره‌گیری از انرژی‌های تجدیدشونده و ... است. مروری اجمالی بر تجارب ارزنده گذشته نشان از امکان بهره‌گیری از این ذخایر عظیم علمی ملی دارد. سخن در تکرار کالبد و جسد آنها نیست، مقصود حفظ کالبد به جای مانده از گذشته نیز نمی باشد، بلکه سخن در این است که باید راههایی را در جهت استفاده مناسب از این تجارب ابداع کرد، که به چند نمونه اشاره می شود:

- این درست است که با ابداع آسیاب‌های برقی و کارخانه‌های عظیم، شاید، استفاده از آسیاب‌های آبی مقرون به صرفه نباشد، ولی باید توجه داشت که همین آسیاب‌ها که بیشتر متروک شده اند، ضمن تأمین آرد روستا، امکان به گردش درآوردن توربین و تأمین برق روستای خویش را داشته اند که اگر چنین می شد لااقل برای تأمین برق روستاها نیازی به سوزاندن نفت و گاز و انرژی اتمی نبود. نکته قابل توجه این است که امکانات و تجهیزات و ... باید تکامل یابند و مهندسان مجرب به طور مداوم در جهت بهبود آنها کار کنند.
- اگرچه استفاده از آب انبارهای کوچک، گذشته از بسیاری جهات به صلاح و صرفه نیست و امروزه سدهای عظیم وظیفه انبار آب را به عهده دارند، می توان از اعماق زمین نیز به عنوان آب انبارهای عظیم استفاده نمود. باید راهی جست و آبهای جاری را که هرز می روند به زمین تزریق کرد.

اصلی این است که آموزش و ارتقای آگاهی جامعه و اصولاً تدوین هر طرح و برنامه آموزشی یا اجرایی باید دو جنبه معنوی و مادی حیات انسان را به طور توأم مدنظر قرار دهد. ضمن آنکه توجه به فرهنگ ملی و یافتن راههای بومی و ملی از موضوعات فراموش شده‌ای است که تقلید بی چون و چرا از ممالک صنعتی علت اصلی آن بوده و اینک که توجه جهانیان به مقولات معنوی گرایش یافته است، شایسته آن است که از تقلید روشهای با ریشه فرهنگ غیرملی و غیر بومی که مشکلات را دوچندان خواهد کرد احتراز شود.

و ما توفیقی الا با...

یادداشت‌ها

- ۱- متفکران و حکما و همچنین متون دینی برای انسان ساحت‌های وجودی متعددی را برشمرده اند که گاهی به ابعاد دوگانه مادی و معنوی، و زمانی به ابعاد سه گانه مادی، روانی(نفسانی)، روحانی(معنوی)، زمانی به سه قلمرو بدن، ذهن و روح و یا عوالم سه گانه محسوس و مثالی و معقول یا جسم و نفس و روح (body, soul and spirit) تعبیر می شوند. در مورد ابعاد ثلاثه حیات انسان و همچنین نیازهای سه گانه وی رجوع کنید به جعفری، ۱۳۷۶ و کربن، ۱۳۷۳ و نقی زاده، ۱۳۷۸.
- ۲- به طور اجمال در مورد آب، بنا به کمیت‌گرایی مسلط بر تفکر مدرن می توان گفت: آب که از ئیدروژن و اکسیژن تشکیل شده برای مصارف بشر و در رأس همه برای تداوم حیات او ضروری است. دریاها و اقیانوس‌ها با رقم ۹۷ درصد بزرگترین محل ذخیره آبی را تشکیل می دهند. مع هذا آب به علت داشتن املاح زیاد برای مصارف انسان به همین صورت قابل استفاده نیست. همین طور از لحاظ حجم دومین محل ذخیره آبی یعنی یخهای قطبی که بیش از ۲ درصد آب موجود را در این حالت (یخ) تشکیل می دهند نیز در شرایط کنونی قابل استفاده نمی باشند. فقط تقریباً ۰/۶۳۵ درصد یعنی خیلی کمتر از یک درصد از

تمامی ذخیره آبی در روی کره زمین دارای کیفیت بالنسبه خوب است و می تواند مورد استفاده انسان، جانوران و گیاهان قرار گیرد.

- ۳- علاوه بر مراجعه به قرآن کریم در مباحث شناخت، برای مطالعه در مورد ویژگی‌های آب و باران و تأثیرات تذکردهی آنها رجوع کنید به: [امام] جعفر صادق (ع)، ۱۳۵۹؛ مطهری، ۱۳۶۷؛ نصر، ۱۳۵۹ و سبحانی، ۱۳۶۱.
- ۴- برای مطالعه در این مباحث رجوع کنید به: جعفری، ۱۳۵۸ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۹.
- ۵- بنا به نظر علامه طباطبایی (ره): «شکر عبارت است از به کار بستن هر نعمتی در جای خودش، به طوری که نعمت، ولی نعمت را بهتر وانمود کند» (تفسیرالمیزان، ج ۳۲، ذیل آیه ۱ سوره لقمان). نظر شهید مطهری نیز در مورد شکر چنین است: «شکر یعنی نعمت را در مسیری که برای آن آفریده شده است به کار بردن» (مطهری، ۱۳۶۷).
- ۶- بالعدل قامت السماوات و الارض (پیامبر اکرم (ص)).

منابع مورد استفاده

- اسلامی ندوشن، محمدعلی. ۱۳۸۰. آیا ایرانی همان ایرانی است، مجله هستی، سال دوم، شماره ۱ بهار.
- امینیان، سیف ا... ۱۳۷۸. حوضخانه های کاشان، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران (جلد ۲)، سازمان میراث فرهنگی. تهران.
- باستانی پاریزی، ابراهیم. ۱۳۶۴. آسیای هفت سنگ، دنیای کتاب. تهران.
- بویس، مری. ۱۳۷۶. ترجمه همایون صنعتی زاده. تاریخ کیش زرتشت (ج ۱)، توس. تهران.
- بهار، مهرداد. ۱۳۷۵. پژوهشی در اساطیر ایران، آگاه. تهران.

- پاکنژاد، سیدرضا. ۱۳۶۱. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر. ج ۲، بنیاد فرهنگی شهید پاکنژاد. یزد.
- پورداد، آبان یشت، به نقل از اسلامی ندوشن، ۱۳۸۰، پیشین.
- پورنامداران، تقی. ۱۳۶۷. رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی. انتشارات علمی و فرهنگی. تهران.
- پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۷۲. آشنایی با معماری اسلامی ایران. دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
- پیرنیا، محمدکریم و کرامت ا... افسر، بیتا. راه و رباط، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی. تهران.
- [امام] جعفر صادق (ع)، ۱۳۵۹. (ترجمه ملا محمدباقر مجلسی)، توحید مفضل، انتشارات فقیه، تهران.
- جعفری، محمدتقی. ۱۳۵۸. ترجمه و تفسیر نهج البلاغه (جلد ۲). دفتر انتشارات اسلامی. تهران.
- جعفری، محمدتقی. ۱۳۷۶. ترجمه و تفسیر نهج البلاغه (جلد ۲۲). دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دوستخواه، جلیل. ۱۳۷۵. گزارش و پژوهش. اوستا، مروارید. تهران.
- رستمی، محمدحسن، ۱۳۷۸. تأثیر محیط زیست و طبیعت بر تن و روان آدمی، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست. تهران.
- سبحانی، جعفر. ۱۳۶۱. مبانی توحید از نظر قرآن. کتابخانه عمومی امیرالمومنین. اصفهان.
- [امام] سجاد، بیتا. صحیفه کامله سجادیه، ترجمه سید علینقی فیض الاسلام. انتشارات فقیه. تهران.
- سلطانی، علی محمد. ۱۳۷۸. آب و نقش کاربردی آن از دیدگاه اسلام در محیط زیست، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست. سازمان حفاظت محیط زیست. تهران.
- سهروردی، شهاب الدین یحیی. ۱۳۷۹ ه ق. مصنفات، ج ۳ (تصحیح سیدحسین نصر)، انجمن فلسفه. تهران.
- سیبک نیشابوری، محمدبن یحیی. ۱۳۵۱. حسن و دل (به کوشش غلامرضا فرزانه پور) تهران.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. ۱۳۶۲. تفسیرالمیزان، جلد ۱۹، محمدی. تهران.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. ۱۳۵۷. تفسیرشریف المیزان، جلد ۳۲، محمدی. تهران.
- طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، ۱۳۵۰. تفسیر مجمع البیان (جلد ۱۲)، ترجمه سیدابراهیم میباقری، فراهانی. تهران.
- قرآن کریم. ۱۳۶۷. ترجمه (مرحوم) الهی قمشه ای، مهدی، بنیاد نشر قرآن و امیرکبیر. تهران.
- کربن، هانری. ۱۳۷۳. (ترجمه جواد طباطبائی) تاریخ فلسفه اسلامی، کویر. تهران.
- محقق داماد، مصطفی. ۱۳۸۰. ضرورت ارتقاء ارزشهای دینی و فرهنگی در توسعه پایدار. مجموعه مقالات همایش بین المللی محیط زیست، دین و فرهنگ. سازمان حفاظت محیط زیست. تهران.

- Naghizadeh, M. 2000. Urban Landscape and Cultural Values: A Conceptual Framework of Islamic Teaching. Proceedings of International Conference on Landscape (INCOL 2000). University of Putra Malaysia. Kuala Lumpur. 10-11 Oct. 2000. (Paper 6, pp 1-14).
- Nasr, S. H. 1973. Forward to the Sense of Unity. In Ardalan, Nader and Bakhtiar. Laleh.
- Nasr, S. H. 1990. Traditional Islam in the Modern World. Kegan Paul International. New York. London.
- Simmons, I. 1993. Interpreting Nature: Cultural Construction of the Environment. Routledge. London.
- Tucker, M. E. and Grim. J. 1998. Religious of the World and Ecology. Earth Ethics. No 1. Fall.
- Wilber, D. N. 1979. Parsian Gardens and Garden Pavilions. Dumbarton Oaks. Washington.
- مطهری، [شهید] مرتضی. ۱۳۶۷. مسئله شناخت، صدرا. تهران.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. ۱۳۷۹. پیام امام امیرالمؤمنین (ع) (جلد ۱)، دارالکتب الاسلامیه. تهران.
- موسوی بجنوردی، کاظم. ۱۳۷۴. دایرالمعارف بزرگ اسلامی (جلد ۱)، مرکز دایرالمعارف بزرگ اسلامی. تهران.
- نصر، سیدحسین. ۱۳۵۹. نظر متفکران اسلامی در مورد طبیعت، خوارزمی. تهران.
- نقی زاده، محمد. ۱۳۷۸. مقدمه ای بر روشهای شهر اسلامی در توسعه های شهری معاصر، فصلنامه نامه فرهنگستان علوم ایران. شماره ۱۲ و ۱۳. بهار و تابستان.
- نواک، پ و دیگران. ۱۳۷۳. ترجمه حبیب ا... بیات، سازه های آبی. مترجم. تهران.
- هنر فر، لطف ا... ۱۳۶۳. دو پل تاریخی مشهور اصفهان، در جواد، آسیه (گردآورنده)، معماری ایران. جلد ۱. خوشه. تهران.
- Burckhardt, T. 1967. Sacred Art in the East and West. Perennial Books. London.
- Eliade, M. 1959. The Sacred and the Profane, the Nature of the Religion. Harcourt Brace Gillespie.
- Gillespie, A. 1997. International Environmental Law Policy and Ethics. Clarendon Press. Oxford Jovanovich, New York.
- Mac Dougall, E. B. and Ettinghausen, R. (Eds.). 1976. The Islamic garden. Dumbarton, Oaks, Trus. Washington.